

برمیآیند و خود میکروب آن نیز عمر معین دارد و همینکه عمرش بپایان رسید خود بخود از بین می‌رود .

ولی ترناك چنین نیست آن دشمن بشر است و نسل آنرا به مرور برانداخته معدوم می‌کند که اثری باقی نماند .

در این فصل لرد گوزن از جمله مسائلی که مورد بحث قرار داده یکی هم مسئله معادن ایران است در این باب نیز شرح مفصلی می‌نگارد و از قول اشخاص بصیر و مطلع شواهد آورده و معادن ایرانرا در میان ممالک دنیا بی‌نظیر معرفی می‌کند به علاوه عدّه از مصنفین این علم را اسم می‌برد که مطالعاتی در این موضوع بخصوص در ایران نموده‌اند .

گوزن می‌گوید : « از معادن ایران در زمانهای قدیم قبل از اسلام استفاده شده است ولی نمی‌توان گفت در چه دوره و زمانی بوده اما بکار انداختن آنها در زمان شاه عباس کبیر بوده که این شهریار باعزم معادن ایرانرا بکار انداخته و از آنها استفاده نموده است .

نادر شاه افشار که فکر جهانگیری داشته و آنرا جداً تعقیب می‌نمود و مخصوصاً برای این قصد که در بحر خزر تفوق بحری داشته باشد کارخانه آهن ذوب‌کنی را در آمل مازندران دایر نمود از آهن معادن ایران گلوله‌های توپ و سایر اسباب توپخانه را تهیه نمودند ، لنگرهای کشتی و نعل اسبان از آهن ایران ساخته می‌شد .

در اوائل قرن نوزدهم نیز عباس میرزا نایب‌السلطنه بکار انداختن معادن آذربایجان را تشویق می‌نمود .

در سال ۱۲۲۵-۱۸۱۰ شخص انگلیسی موسوم به ویلیام سن (۱) معادن ناحیه شیخ در بند نزدیک قریه ترکمانچای را بکار انداخت بعد در اثر پیش آمدهای بعدی تعطیل گردید .

در سال ۱۲۳۰-۱۸۱۵ نیز کاپیتان مونتهیت (۲) از طرف نایب‌السلطنه مأمور شد

[1] Williamson

[2] Captain monteith

راجع بمعادن آهن تحقیقات کند .

در سال ۱۲۵۲ - ۱۸۳۶ در اوایل سلطنت محمدشاه سرهنگری لندمای بیثون (۱) یکدستگاه ماشین بخار و يك عده کارگر از انگلستان آورده مشغول کار شد و مبلنی در معادن آهن قرچه داغ مصرف نمود ظاهر امر چنین می نمود که فایده چندان بدست نیامد . (ص ۵۱۲)

داستان معادن قرچه داغ و امتیاز سرهنگری لند سای بیثون خیلی مفصل است بعدها یکی از موضوعات سیاسی شد و انگلیس ادعاهائی برای آن تریب دادند که در سفرنامه میرزا حسین خان آجودان باشی مشروحاً نوشته شده و در جلد دوم با تفصیل اشاره شده است .

بیثون مذکور فرمائی از فتحعلی شاه بدست آورد که خود و بخرج خود معادن قرچه داغ را بکار اندازد شاید اگر مداومت می شد بعید نبود به نتایج صحیح برسد ولی قضایای سیاسی که در سلطنت محمد شاه پیش آمد او نیز معادن را ترك نموده و از آنها استفاده نکرد و شکایت را پیش دولت انگلیس برد و این از شکایت های لرد - پالمستون بود که بر علیه محمد شاه و حاجی میرزا آقاسی تشکیل داده بود .

موضوع معادن ایران چندی ساکت و آرام بود دیگر صحبتی از آن در میان نبود تا اینکه میرزا حسین خان سپهسالار بصحنه سیاست ایران کشیده شد و مقام صدارت را در سال ۱۲۸۷ دارا شد و بقول سرهنگری رالنسون برای حل قضایای مهم که مدتها بین ایران و انگلستان در جریان بود يك چنین شخصی صمیمی نسبت با انگلستان بصدارت انتخاب گردید و در هیچ زمانی مانند دوره میرزا حسین خان سپهسالار انگلیس دوستی باین درجه که در زمان او رسیده بود سابقه نداشت این مرد تاریخی ایران امتیاز تمام معادن ایران را با سایر منابع ثروت ایران بعنوان امتیاز بارون رویتر برای مدت هفتاد سال یکی از اتباع انگلیسی موسوم به بارون جولیس رویترواگذار نمود من در این باب مفصلاً در جلد سوم شرح داده ام و عاقبت آن امتیاز را که بجه مشکلات سیاسی دوچار شد قبلاً اشاره نموده ام در آن اوقات این امتیاز بالاوبلند که در تاریخ امتیازات گذشته

و بعد هیچ نظیر نداشت باطل و لغو گردید .

اما موضوع آن از میان نرفته بود و منتظر بودند دیگری مانند میرزا حسین خان پیدا شده این مشکل را حل کند این بار این روح انگلیس دوستی در قالب میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم ایران پیدا شد جزو سایر امتیازات که در سالهای اخیر ناصرالدین شاه با انگلیسها داده شد یکی هم امتیاز معادن بود که در سال ۱۳۵۶ - ۱۸۸۹ بهمان شخص سابق الذکر واگذار شد که شرح آن قبلا گذشت .

لرد کرزن راجع به معادن ایران که در کدام نقطه و چه معدنی در کجا وجود دارد شرحی نگاشته است که نقل آنها در اینجا بی مورد است اما در خاتمه چند جمله مینویسد که در این جا تذکر آن لازم می باشد در این باب می گوید : « حالیه خیلی زود است که بتوان بطور اطمینان بخشی راجع بآئیه معادن ایران و عملیات آنها اظهاراتی نمود اطلاعاتی که من در این باب داده ام و ممکن است در آئیه هم در یک کتاب دیگری اگر احتیاج باشد علاوه نموده معلومات بیشتری راجع بمعادن ایران بدهم حال چنین میتوان نتیجه گرفت که معادن ایران میدانش وسیع - پرمایه و برای عمل دائره بزرگی را داراست در این شکی نیست که در آئینه منابع حیرت آوری از ثروت طبیعی که حال کشف نشده و کسی از آنها اطلاع ندارد پیدا خواهد شد و امروزه در ارزش ذاتی معادن ایران جای بحث نیست و ارزش صحیح آنها در این است که معلوم گردد در چه نقطه و چه معدنی وجود دارد و می توان از آنها استفاده تجارتنی نمود و وسیله حمل و نقل آن چیست ؟

یک نوع مشکلاتی دیگر در کار است مانند آب و هوای محلی که در آنجاها ثروت طبیعی مدفون است بعلاوه چگونه می توان ماشین و آلات را با آنها حمل نمود و روحیات اولیای امور ایران را نیز باید در نظر گرفت اینها موانعی هستند که فقط کسانی که تجربه دارند آنها را می شناسند .

هر گاه ذغال و مس ممکن باشد که بعد و فور تحصیل شود که رفع احتیاجات نمود و مصرف روز افزون را جواب دهد و از محصول معادن پربهایی که قبلا از آنها صحبت

شده است بهسولت بشود از داخله به بنادر حمل و نقل نمود که در بازارهای اروپا یا سایر ممالک آسیائی به مصرف رسانید عن تصور می کنم که آتیه معادن ایران بس امیدبخش خواهد بود. (۱)

فصل بیست و نهم کتاب کرزن راجع به تجارت ایران است این فصل را مؤلف دو قسمت نموده یکی راجع به تجارت ایران - اروپا، دیگری راجع به تجارت امروزی ایران. مطالعه هر دو قسمت از نقطه نظر تجارت ایران بی نهایت مفید می باشد چه رقابت دولتین روس و انگلیس در این قسمت تا حد بیشتری روشن است خود مؤلف نیز در مقدمه همین فصل به موضوع رقابت دولتین اشاره نموده چنین می نگارد: « قصد من این است که اوضاع واحوال تجارت فعلی ایرانرا مجسم کرده بعد از رقابت تند و شدید که بین دولتین روس و انگلیس است بحث کنم اما در این کار لازم می دانم بسابقه تجارت این مملکت که چگونه بوده اشاره کنم و ضمناً بموضوع روابط تجارتنی سابق که سبب شد بین ایران و یک عدده ممالک اروپائی که مدتها آفتاب عمر آنها غروب کرده است گوش زد کنم این ممالک اروپائی در گذشته بتدریج بنادر و بازارهای عمده ایرانرا بروی تجارت عمومی مفتوح نمودند تا اینکه بعدها درآینده تحت نفوذ تجارتنی دو دولت امروزی که در آن ایام هنوز اختر سعادتشان طلوع نکرده بود درآینده این سابق روابط باین جا کشیده شد که ایران از روی میل و داوطلبانه امروزه خواهان متاع مسکو - منچستر و بمبئی شناخته شده است .

هنوز من کتابی را سراغ ندارم که بطور منظم و از روی ترتیب صحیح تاریخ روابط تجارتنی را که قریب سیصد و پنجاه سال است بین ایران و انگلستان برقرار شده شرح بدهد اگرچه برای دوست و پنجاه سال آن مدت نمایندگان تجارتنی مقام نمایندگان سیاسی را داشتند کارخانها و عمال آنها وظایف فرستادگان رسمی سیاسی را انجام

[1] Scarcely any Country of Thee Earth Can vie With persia as to Riches in Metals Especially copper Its Unbounded Wealth in Coal , Iron and Copper . Deposits Only Awaits Exploration In orde to Set on Foot a Mightv Industry . P . 510 Vol . 2

می‌دادند فرمانهای سلاطین ایران و احکام پادشاهان انگلستان بجای قرار داده‌ها و معاهدات بشمار می‌رفت نوشتجاتیکه از این ایام مانده است بسیار زیاد و داستانهای شیرین از آنها به یادگار مانده است که یاد بودهای گرانبها و ذی قیمتی می‌باشند و تمام آنها حاکی از اعمال نیک گذشتگان انگلیسی است که برای انگلستان یک نوع افتخار بشمار است و مربوط نمودن این‌ها این اهمیت را دارا خواهد بود که یک صفحه تازه نیز به تاریخ گذشته علاوه می‌شود که در جمع آوری آن غفلت شده است و امیدوارم در این عمل نشان بدهم روابط انگلستان با ایران چه قدر قدیم بوده و دارای چه اهمیتی است و از حیث برتری منافع مادر احیای ترقیات مادی مملکت ایران چه ارزشی را داراست .

ایران در وسط شرق اقصی و ممالک مغرب واقع شده و در شمال و جنوب آن دو دریای قابل کشتی رانی است و باین جهت از زمانهای قدیم مملکت ایران دخالت‌های مهمی در تبادل امتعه تجارتنی بین آسیا و اروپا داشته است در ادوار قدیم کاروانهای بس زیاد خزان ممالک هندوستان را حمل نموده از دشت‌های ایران عبور داده بدریای مدیترانه رسانیده‌اند ملاحان ایام قدیم قریب چهار هزار سال قبل از فنیقی‌ها گرفته تا دریاوردان عصر حاضر بنادر و سواحل جنوبی آن مملکت را دور زده به تمام بازارهای بنادر و جزایر آن رفت و آمد داشته‌اند .

اوضاع و احوال نامساعد شمالی سبب بوده که کمتر دریا نوردان در بحر خزر آمد و شد داشته‌اند با این حال تاریخ بحر پیمائی کشتی‌های تجارتنی در بحر خزر اگر چه در این سنوات اخیر شروع نموده بودند باز در سوانح و اتفاقاتی که برای آنها رخ داده از عجائب و غرائب بحر پیمائی جهان بشمار می‌رود که کمتر از سوانح و اتفاقات دریای جنوبی نمی‌باشد .

معروف است که تاریخ قدیم عبارت بوده از کوشش و جدیت هائی که عال -  
التجاره شرف را از طریق خلیج فارس و بحر احمر یا اروپا برسانند و تاریخ عصر حاضر

بجز عبارت از این است که طریق بحری برای هندوستان از راه دماغه امید افتتاح کنند (۱).

عده زیادی از ملل و دول مختلف در مدت سالیان دراز که درست مطابق با تاریخ نوشته بشری است سعی نموده کوشیده‌اند این روابط تجارتهی آسیا و اروپا را در اختیار خود داشته باشند بنابراین این عملیات تأثیرات زیادی در ایران داشته‌است. فنیقیها - آشوریها - بابلیها - یونانیها - اشکانیان - رومیها - اعراب - ژوئیها - فلورانسینها - ونیزیها - ترکها - پرتغالیها - انگلیسها - هلندیها - فرانسویها - و روسها هر یک از این ملل بنوبه خود کوشیده که کلید این بنای پرازگنجینه شرقی را بدست آورند و تجار هر مملکتی هر طریقی را که سراغ داشته چه از خشکی و چه از راه دریا پیوده‌اند که باین آرزو برسند بعضی از آنها علاوه بر شغل تجارت مورخ نیز بوده‌اند بیرق هر ملتی بنوبه خود در آبهای ایران باهتزاز درآمد است و سکه مملکت آن در بازارهای ایران .

در اینجا مؤلف تاریخ اعمار گذشته را راجع بخلیج فارس و تجارت آن بیان می‌کند که این خود یک موضوع جداگانه است که بعد خواهد آمد .

اما راجع بقسمت دوم که عبارت از تجارت فعلی ایران باشد این قسمت در حقیقت تاریخ تجارت قرن نوزدهم میلادی است و این هنگامی است که رقابت دولتین روس و انگلیس یکی از مسائل مهم سیاست تجارت دولتین شده و دامنه این رقابت نیز همین قدر که قرن نوزدهم پیش می‌رود آنهم بشدت خود می‌افزاید .

در مقدمه از اشخاصیکه در قرن نوزدهم میلادی راجع به تجارت ایران کتاب نوشته‌اند صورت می‌دهد این خود یک منبع اطلاعات جداگانه است و نشان می‌دهد که در مدت قرن گذشته تجارت خارجی ایران چه تغییرات بخود دیده و چه اشخاصی بازیگرهای این صحنه بوده‌اند .

موضوع بخوبی روشن است چگونه راههای کلروان رو ایران به مرور متروک

[1] Report On the Records Of the India Office . By Sir G .

شده راههای بحری جای اینها را گرفته است ، تجارت آسیا با اروپا یا بالعکس از ایران عبور میکرده ولی در قرن گذشته بواسطه ترقیات فن دریا نوردی و کشفیاتی که برای بهبودی کشتی‌ها از بادی به بخار به تدریج پیدا شده تقریباً می‌توان گفت حمل و نقل‌های متاع تجارتمی از خشکی به دریا انحصار یافته و داخله ایران نیز که معبر عمومی قوافل بوده به دریا‌های شمال و جنوب آن مملکت اختصاص پیدا کرده است .

مندرجات کتاب لرد کرزن در این قسمت اطلاعات بس نافی بدست می‌دهد چقدر به موقع بود این اطلاعات در دست رس عمومی گذاشته میشد و اولیای امور اطلاعی بدانها پیدا می‌نمودند .

در این قسمت لرد معظم می‌نویسد : « موقعیت جغرافیائی ایران طوری واقع شده که در ازمنه قدیم فقط راه کلروانرو از این مملکت بوده و ایران واسطه تبادل مال‌التجاره شرق بغرب یا بالعکس بوده است ولی امروزه آن راههایی را که قوافل می‌پیمودند متروک شده از خاطرهای فراموش‌گشته است و دوره کلروان و قافله نیز بیابان رسیده است .

ترقیاتی که در فن بحریمانی شد و اختراع بخار بجای بادبان ، کشتی رانی در دریاها را فوق‌العاده آسان نموده است .

دریا‌های شمالی و جنوبی ایران که يك وقتی وسیله امنیت و محافظت ایران بود امروزه اسباب ضعف و وسیله خطر برای آن کشور شده است در بحر خزر فرمانروایان مسکو و در خلیج فارس بریطانیای کبیر اسباب مزاحمت شده‌اند صادرات و واردات و حمل و نقل آنها که يك وقتی همه رامفتون کرده و نصف ملل اروپا را از این راه متمول نموده بود امروزه بدست روس و انگلیس افتاده است .

افتخاریکه برتقال برای تجارت ایران داشت امروزه آن افتخار مدفون شده است دیگر اسم آنرا هم در ایران نمی‌شناسند جز اینکه چندلوله توپ پوسیده یا چند برجهای مخروبه از آنها بیادگار مانده است يك وقتی هم هلندی‌ها مالک الرقاب خلیج فارس بودند ونیس و ژنو مدتها است که از آبهای ایران کنار افتاده‌اند .

ارامنه امروزه در بازارهای ایران مشغول داد و ستد هستند و استفاده از تجارت

ایران می‌برند لیکن آرامنه يك ملت بشمار نمیرود ثروت آنها مربوط بشخص است . امروزه تفوق بحری قضیه را حل نموده است ، مبارزه امروز بین دو دسته است و بدو قسمت تقسیم شده است دولت بحری شمال و دولت بحری جنوب دول آلمان - اطریش و فرانسه سهمی از واردات برای خود قائل هستند اما اینها را نمی‌توان جزو رقبا محسوب نمود حالیه بحث در این مبارزه بین دو دولت است که فعلاً در جریان است و مقامی که هر يك از این دو دسته در تجارت ایران دارا شده‌اند مورد توجه می‌باشد . اگرچه ظهور روسها را در این صحنه از زمان پطر کبیر يك عامل خطرناکی معرفی نموده اند و عدم موفقیت تجارت انگلیس راهم از بحر خزر در اواسط همان قرن مربوط به همین موضوع می‌دانند اما قضیه این قدرها مهم نبوده است مگر از اوایل قرن نوزدهم در این بیست و پنج ساله اول قرن حاضر ( نوزده ) مخصوصاً در معاهده ترکمانچای در سال ۱۲۴۳ - ۱۸۲۸ که از این تاریخ تفوق تجارت روس در شمال ایران محسوس شد اساس آن بعدها محکم گردیده است .

در معاهده گلستان که در سال ۱۲۲۸ - ۱۸۱۳ بسته شد دریای خزر بدست روسها افتاد در سال ۱۲۳۲ - ۱۸۱۷ یرمولوف (۱) وزیر مختار روس اظهار داشت که قونولگری دولت امپراطوری روس را در رشت برقرار کند ولی از این اصرار نتیجه نگرفت تا اینکه در بند - بادکوبه و لنگران بدست دولت روس افتاد و اینها بنام بنادر روس نامیده گشت ...

با انعقاد عهدنامه ترکمانچای و متعاقب آن عهدنامه تجارتی بکلی تفوق تجارت روس را در نواحی شمالغربی ایران ثابت نمود (ص ۵۵۶) . در تعقیب این مطالب مؤلف شرحی از توسعه تجارت روس مینگارد که بحث در آنها مطالب این کتاب را بس زیاد خواهد نمود .

اما راجع به تفوق تجارت انگلیس در این باب می‌نویسد : « خوشبختانه در مقابل برتری تجارت روس در نواحی شمالی ایران که شرح آن گذشت برای دولت انگلیس نیز در مرکز و جنوب ایران موفقیت هائی حاصل شده است و توازن پیدا نموده در این



قسمت‌ها بواسطه بعد مکان و دوری روسها از دریای هندوستان برای آن دولت ممکن نیست که بتواند با انگلستان رقابت کند و انگلستان در این نواحی تجارت خود را طوری محکم نموده است که بتواند از هر تجاوزی ایمن بماند این برتری انگلستان در این قسمت‌ها که بواسطه پیش‌بینی و جدیت‌های قابل‌تقدیر بریتانیای کبیر در آرام نمودن و امنیت دادن در خلیج فارس از سالهای اول قرن نوزدهم برقرار شده و بدون تعطیل این تفوق تا امروز تیز در حال ترقی و توسعه است . ص ۵۵۷ .

بعد از این مقدمه مؤلف داخل در موضوع تجارت در خلیج فارس شده احصائیه آنرا می‌نویسد این قسمت نیز از موضوعات مهم کتاب لرد معظم می‌باشد .  
در صفحه ۵۵۹ کتاب ارقام صادرات ایران را می‌نگارد و میزان مبلغ را برای سال ۱۳۵۷-۱۸۸۸ برای کلیه صادرات ایران ۷/۴۴۲/۰۰۰ تومان و واردات بایران در همان سال ۱۳/۶۹۶/۰۰۰ تومان .

در خاتمه این فصل که بنظر نگارنده از نظر تجارت ایران با خارجه مطالعه آن فوق‌العاده مهم می‌باشد .

مؤلف برای تجارت آینده ایران اینطور می‌نویسد : « پس از مطالعه و دقت و بحث نتیجه این است که اوضاع و احوال فعلی تجارت ایران و تقسیمات آن اگر آینده را در نظر بگیریم از نقطه نظر منافع انگلستان می‌توان فوق‌العاده امید بخش تصور نمود .

آباد کردن بنادر که باید شروع شود از مسائل عمده است فعلا ساختن راهها شروع شده (۱) احداث راد آهن نیز در آینده عملی می‌شود این‌ها وسیله خواهند بود که تجارت ایران رو بفرونی رود و تجارت انگلیس و ایران ترقی کند .

اغلب اسباب تعجب شده است ، در صورتیکه ممکن است در این زمینها اقدام نمود چرا به مرحله عمل نرسیده است ، البته بواسطه فداکاری افراد کارهای زیاد می‌توان انجام داد .

(۱) در اینجا اشاره بامتیازاتی است که سرهبری در موندولف توسط میرزا علی‌اصغر

خان انابک اعظم از ناصرالدین شاه بدست آورد . ۱ . بنیاد : « خواهم داد .

یکی از شاهکارهای روسها این است که هر چند وقت یکبار متاع تجارتهای خودشانرا بمعرض نمایش درمیآوردند آنها را با وضع بسیار جالبی در انظار جلوه می دهند بطوریکه تمام اهالی مشرق زمین مقتون آنها می شوند، در این صورت چرا نباید متاع انگلستان و هندوستان در طهران بمعرض نمایش گذاشته نشود .

نمایندگان اطاق تجارت و اشخاصیکه در فن تجارت بصیرت دارند چرا بایران مسافرت نمی کنند ؟

چرا فروشندگان مال التجاره انگلستان بازارهای ایرانرا در دایره تجارتهای خودشان محسوب نمی دارند ؟

من هیچ مملکتی را مانند مملکت ایران که باین اندازه دارای اهمیت باشد در نظر ندارم بلکه سراغ ندارم که این اندازه دقت و مطالعه لازم داشته باشد .  
تجارت انگلستان باید با سلیقه ایرانیان آشنا باشد و با میل آنها همراه بروند و بر طبق پسند آنها مال التجاره تهیه کنند ...

عرض پارچه - طرح آن - رنگ آمیزی - پهنای کتان و چلووار تمام اینها دارای اهمیت مخصوصی است .

سلیقه و ذوق ایرانی خیلی دقیق و حساس است ، بعلاوه عادت و ذوق و سلیقه هر ملتی را باید در نظر گرفت .

متاعیکه در یک شهر مقبول است در شهر دیگر قابل پسند نیست چیزی که امروز مرغوب است شاید فردا خریدار پیدا نکند .

البته بادر نظر گرفتن این شرایط و با اقدامات مؤثر بریتانیای کبیر میتواند از تجارت ایران انتظارات قابل ملاحظه داشته باشد .

# فصل شصت و نهم

## لرد کرزن از سیاست روس و انگلیس

### در ایران صحبت میکند

اشاره به نامه امیر عبدالرحمن خان - عقیده کرزن راجع به سفارتخانه های دول دیگر در طهران - از روابط ایران با افغانستان و دولت عثمانی صحبت میکند - علاقه ایرانیان به هرات - انگلیسها برای جدا کردن هرات از ایران با ایران جنگیدند - لرد بیکنانز فلد حاضر شد هرات را در سال ۱۸۷۸ بایران مسترد دارد - کرزن این عمل را خطای غیر قابل عفو می داند - هرات کلید دروازه هندوستان است - اشاره به قضیه حکمیت دربارهٔ سینان - تهدیدات دولت انگلیس بایران در باب هرات - کرزن لشکر افغانستان را مهیب و عبدالرحمن خان را مغرور می خواند - کرزن از روابط ایران و عثمانی بحث میکند - روابط ایران با دولتین روس و انگلیس - تجاوزات روسها در ایران - تصرف اراضی ایران - از طرف سیاست روسها در ایران صحبت می کند - فتوحات روسها باعث از بین رفتن نفوذ انگلیسها بود - اشاره باثرات جنگ روس و عثمانی در سال ۱۸۷۷ - اشاره باسرای ایرانی در میان تراکمه که روسها آنها را آزاد کردند

راه آهن ماوراء بحر خزر - تجارت روس - نفوذ دولت روس -  
 خطر روس نسبت بایران - کرزن نقشه روسها را برای شمال  
 ایران شرح می دهد - بدوره سلاطین صفویه اشاره میکند که  
 روسها در آن ایام در نظر ایرانیان چگونه بوده - از میرزا حسین  
 خان سپهسالار و امتیاز بارون جوئیوس رویترا شرحی می نویسد -  
 الغای آن امتیاز را در اثر فشار دولت روس می داند - دلوزی  
 کرزن برای ایران - کرزن خود را طرفدار جدی ایران در مقابل  
 روسها نشان می دهد - روسها را تهدید میکند که بجنوب ایران  
 نظر سوء نداشته باشد - کرزن مدعی است دولت انگلیس در  
 جنوب و خلیج فارس منافع زیاد دارد - کرزن گوید عقل و فراست  
 سیاسی ایرانیان یکموهبتی است الهی که در سرشت ایرانی ذاتی است -  
 کرزن گوید ایرانیها از روسها ترس دارند - کرزن گوید روسها  
 نسبت بایران سوء قصد و نیت تجاوز دارند این درست با سیاست  
 انگلیس در ایران مغایرت دارد - اشاره به مسافرت های شاه به لندن -  
 بین ایران و انگلیس - اشاره به مسافرت های شاه به لندن -  
 کرزن گوید مقدرات ایران تا حدی با مقدرات انگلیس توأم  
 می باشد - طمع روسها به تصرف خراسان برای دست یافتن بهرات  
 به سیستان و بلوچستان است - روسها به خلیج فارس چشم دوخته  
 اند - کرزن دولت انگلیس را حامی ایران معرفی می کند -  
 موارد دوستی و دشمنی دولت انگلیس را در قرن نوزدهم می  
 شمارد - تاریخ سیاست انگلیس را در ایران در قرن نوزدهم  
 بچهار قسمت تقسیم می کند - سیاست - نظام - تجارت -  
 تلگراف - از طرز سیاست انگلیس در ایران برای آینده صحبت  
 می کند - دولت انگلیس در شمال ایران نفوذی ندارد ولی به  
 جنوب ایران زیاد علاقه مند است - کرزن گوید باخلاق و روحیات  
 ایرانی آشنا شده ایم - کرزن اوضاع و احوال آن روز ایران  
 را شرح میدهد - به وسائل ترقی در ایران کرزن امیدوار است -  
 از دفاع کشور ایران صحبت می کند - روحیه ملت ایران را  
 می ستاید - صحبت از شاه آینده ایران - صفات ملت ایران -  
 نظر نهائی کرزن برای ایران

فصل سی‌ام کتاب لرد کرزن راجع سیاست روس و انگلیس در ایران است (۱)  
 در اول این فصل از مرسله امیر عبدالرحمن خان امیر افغانستان که بفرمانفرمای  
 هندوستان نوشته است شاهد می‌آورد و آنرا مطلع این فصل قرار می‌دهد. در آن  
 مرسله امیر چنین نوشته است: «چرا باید رشته دوستی را با مقراض سوء ظن  
 قطع کرد.» (۲)

در این فصل مؤلف از سیاست دولتمن روس و انگلیس در ایران بطور مشروح  
 صحبت می‌کند و بحث طولانی دارد. بیانات او قریب به پنجاه صفحه از کتاب را اشغال  
 نموده است. نقل تمام آن مطالب در اینجا خالی از اشکال نیست ولی از آنجائیکه این  
 قسمت از کتاب فوق‌الذکر دارای اهمیت بسیار است من به مطالب مهم و برجسته آن  
 اشاره خواهم نمود.

در ابتدای فصل مذکور این طور می‌نویسد: «در فصول قبل از سیاست داخلی  
 ایران مشروحاً بحث نموده‌ام اینک در خاتمه آخرین فصل کتاب خود را سیاست خارجی  
 آن مملکت اختصاص می‌دهم و این موضوع مربوط بر روابط سیاسی ایران با دو دولت  
 رقیب می‌باشد که عبارت از انگلیس و روس باشد.

روابط دولت ایران با سایر ممالک اروپائی و امریکای مربوط بقضایای دیگر  
 می‌باشد از قبیل موضوعات تجارتی یا مربوط بکشیشپای روحانی است این روابط نیز  
 چندان مهم نیست غالباً به وسیله قونسولگری انجام می‌شود دول فرانسه - آلمان -  
 اطریش و ایتالی در طهران سفارتخانه دارند ولی آنها را زاید تصور می‌کنند، ایران  
 فقط دو همسایه آسیائی دارد که با آنها هم خاک و هم سرحد می‌باشد یکی دولت  
 عثمانی دیگری امارت افغانستان، روابط آن با این دو مملکت چندان مهم نمی‌باشد  
 که در آن بحث طولانی نمود، ظاهراً با هر دو دولت روابط دوستی برقرار است افغانستان  
 و عثمانی هر دو دارای مذهب سنی هستند و یک شیعه خالص حاضر است دشمن مسیحی

[1] British And Russian Policy in Persia

[2] Why Cut the Thread of Friendship With the Shears of

Uncertainty P 585 Vol . 2 By Lord Curzon .

خود را رها نموده کله هم مذهب خود یعنی سنی ملامون را از تن جدا بکند ، هم دولت عثمانی و هم افغانستان فعلا توأحی را در دست دارند که يك وقتی جزو مملکت ایران بوده باقی ماندن اماکن متبرکه مانند کربلا و نجف در دست سلطان عبدالحمید يك عقد بزرگی است در قلب ایرانیان شیعه مذهب ، هم چنین اهتزاز بیرق امیر- عبدالرحمن خان از بالای استحکامات هرات يك امر ناگواری است که برای ایران تحمل آن بسی دشوار می نماید حقا ایران نمی تواند این پیش آمد را فراموش کند که این قسمت از خاک ایران که يك وقتی معروف بخراسان شرقی بوده است در دست افاغنه باشد ، هرات همیشه باأمورین شهریار ایران حکمرانی میشد سکنه آن ایرانی نژاد هستند بیشتر آداب و رسوم ایران علاقمند هستند باآداب و رسوم افغانستان بستگی ندارند رابطه حقیقی آن باخراسان است نه باافغانستان .

در قرن حاضر دو بار حرص ایرانی فشون ایران را برای تصرف هرات بطرف افغانستان سوق داده است (۱) چون این عملیات باعسائل انگلستان ارتباط پیدا نمود در وهله اول نتیجه آن قطع روابط در وهله دوم جنگ علنی با انگلستان پیش آمد فعلا ایران پشت سر حداث ضعیف خود قرار گرفته خائف و اندوهناک است و از این پیش آمد بی اندازه متنفر ولی قادر نیست اقدام کند و نگذارد افاغنه بیایستخت قدیم خراسان فرمانروائی کنند .

برای همین عدم رضایت دولت ایران بود که لرد بیکنتر چند پس از جنگ با افغانستان در سال ۱۸۸۷ در نظر گرفت افغانستان تقسیم شود پیش نهد نمود مجدداً هرات بدولت ایران واگذار شود این يك خطای سیاسی بزرگی بود که قابل تصور

(۱) من این موضوع را در جلد دوم کتاب روابط سیاسی ایران با انگلیس با تفصیل شرح داده ام من توانستم قصد لرد معلم را از این بیانات استنباط کنم باعث حقیقی جدائی هرات از مشهد انگلستان بوده محرك یار محمد خان و دوست محمد خان دوات های وقت بریتانیای کبیر بوده تاریخ آن سوانح و وقایع را به خوبی ضبط کرده است این که می گوید حرص ایرانی این حرص نبود بلکه همت بلند و علاقه مخصوص ملت ایران بود که فراموش نشدنی است .

نیست ، لرد مزبور فراموش کرده بود که تسلیم هرات بیادشاه ایران حقیقت داشت کلیه هندوستان را در اختیار امپراطور روس می گذاشت .

احساسات غیر دوستانه طرفین یعنی ایران و افغانستان (۱) در قضیه حکمیت انگلستان در موضوع سیستان بیشتر شد و هر دو دسته را بغضب در آورد مخصوصاً امیر شیر علی را و در پیش آمد اخیر نیز که عبارت از پناه دادن بامیر ایوبخان در طهران به عنوان اینکه حبس نظر است ماده را غلیظ تر کرده اگر امروزه این احساسات در حال خمودگی است علت این است که امیر عبدالرحمن خان خطر ناک تر از آن است که بتوان با او بازی نمود یا او را فریب داد ، با این که سیاست آسیائی انگلستان به ملاحظات عمده ضعیف و متلون است ولی در اکثر امور باستانی خطای لرد بیگانز فلد ، مقام خود را حفظ نموده است باین معنی همیشه فریاد بر آورده گفته است کنار بروید ( Hands Off ) یا عبارت دیگر دست درازی با افغانستان موقوف ، این فریاد برای این بوده هر وقت از طرف شهریار ایران نسبت به افغانستان اقدام بعمل می آمد که افغانستان را تصرف کند این عبارت تکرار می شد .

پادشاه ایران باید بداند که این فکر بانادرشاه افشار مرد و معدوم شد دیگر زنده نخواهد گردید (ص ۵۸۶) .

این راهم باید علاوه کرده بگویم که لشکر مهیب و مغرور امیر عبدالرحمن خان بانظر استهزاء به سربازان ایران نگاه می کنند و این را هم هیچ پنهان نمی دارند و قشونهای ممالک شرق هیچکدام اوضاع واحوال اسفناک قشون ایرانرا ندارند و بین

(۱) من در این باب قبلاً مفصل بحث نموده ام احساسات غیر دوستانه این دو ملت در صد سال گذشته ناشی از دسایس خارجی بوده امروزه آن روح وجود ندارد هر گاه افغانها هم مانند ایرانیان بر موز سیاست آشنا باشند گول هیچ بیگانه را نمی خوردند چه قدر خوب بود در میان این ملل رجال سیاسی کامل العیادی به عرصه وجود می آمدند که خیر و شر مملکت خودشان را مانند رجال میرز سیاسی عالم تمیز می دادند تا این نوع رجال به عرصه وجود نیایند مجال است با رجال سیاسی خسود رو منافع حقیقی وطنشان را تمیز بدهند .

قشون ایران و قشون ریش دراز و پرادعای امیر افغانستان تفاوت بسیار است (۱) .  
 اما راجع به روابط ایران و عثمانی اگر چه قریب پنجاه سال است این دو دولت  
 باهم جنگی نداشته‌اند و مسائل تحریک بجنک در هر دو طرف چندان تند و شدید نیست  
 باین حال دشمنی موروثی قریب‌های گذشته هنوز هم در جوش و خروش است .

شاه و سلطان هر دو بانظر دقیق این مخالفت‌ها را که در استانبول و طهران اعمال  
 می‌شود نگرانند و همین مخالفت‌ها و حسادتها بود که باعث شد شاه در این مسافرت  
 خود از رفتن با استانبول صرف نظر کند در اوقات گذشته پیداست که قوای طرفین تعادل  
 داشته هر گاه قشون ایران بغداد را تصرف می‌نمود قشونهای عثمانی نیز به تبریز حمله  
 می‌کردند معاهده ارض روم که در سال ۱۲۶۳-۱۸۴۷ بین دولین منعقد گردید اساس  
 صلح و صفای امروزه دولین است .

اما عدم تعیین حدود طرفین از کوه آرارات تا شعب‌العرب که از مدتها باین طرف  
 لا ینحل مانده است خود یک نوع وسیله اختلاف است و ممکن است هر ساعت منجر به  
 اختلافات شدید بشود . علاوه بر این موضوع کردها نیز یکی از اسباب اختلاف طرفین  
 است و در سال ۱۳۵۲-۱۸۶۴ که شیخ عبدالله قنده در آذربایجان برپا نمود در آن اوقات  
 نزدیک بود که آتش جنگ بین این دو مملکت در بگیرد در جنوب نیز موقعیت محصوره  
 و اهمیت آن اسباب شکایت و عدم رضایت ترکیهای بصره و بغداد شده است و روابط دوستانه  
 اولیای امور دو طرف را می‌توان از بیانات من که در باب ورود کارون و خلیج فارس نوشته‌ام  
 استنباط نمود (۲) .

خوشبختانه برای بقای صلح ، نه ایران و نه عثمانی هیچ یک در آتش فودر به  
 جنگ نیستند و رقابت طرفین از دایره موضوعات مختصر و رحیمی و غیره بیرون  
 خارج نمی‌شود .

- 
- (۱) از این بیانات نه ایرانیها باید متأثر شوند و نه افغانها تحریک شوند این عبارات  
 را برای مللی بکار می‌برند که فاقد رشد سیاسی هستند باید تاحدی امیدوار بود که فعلا این  
 نوع فتنه‌ها خوابیده است ولی هیچوقت ایمن نتوان بود .  
 (۲) من این مسائل را در کتابی که راجع بخلیج فارس حواصم نوشت شرح خواهم داد .



اما موضوع روابط ایران با دولتین روس و انگلیس مخصوصاً روابط ایران با دولت انگلستان از وقتی که من بنویستن این کتاب اقدام نمودم این مسئله هیچ وقت از خیال من بیرون نبوده و مدام در پیش چشم من بوده است ولی اهمیت این موضوع را هیچ وقت من نمی توانم با آن تأکید و طرز یانی که سر هنری رالنسون ، در مقدمه خطابه دقیقانه خود که نهایت درجه مهم و از روی مطالعه دقیق و اصول سیاست ماهرانه بوده برای جلب توجه سکنه انگلستان بیان نموده بهتر از او من بتوانم روح قضیه را شرح بدهم ، این است که عین عبارات این مرد بزرگ را در این جا نقل می کنم او گوید :

« مسائل سیاسی يك دولت درجه دوم شرقی را مانند مملکت ایران ، نمی توان انتظار داشت که ممکن است برای جلب نظر علاقمندان انگلستان بطوری که شاید و باید ، آنرا حل و عقد کرد و با در آن باب بحث نمود ، اما تا این اندازه ها ممکن است تذکر داد که این مملکت (ایران) از حیث وضعیت جغرافیائی طوری قرار گرفته که بین راه اروپا و هندوستان واقع شده است و از این جهت غیر ممکن است که در تاریخ آینده شرق دخالت های عمده نداشته باشد .

بنابراین حالت ملت ایران و نبض حکومت آن مسائلی هستند که باید توجه محققین عال اندیش بدانها دقیقاً جلب شود ولی این توجه را نباید به مقدار اراضی که مملکت ایران در نقشه جغرافی عالم اشغال کرده معطوف ساخت و یا اینکه متوجه شد به مقدار و نزدیک ملت ایران در ترازی بین المللی داراست بلکه تمام اینها لازم است بطور مناسب در نظر گرفته شود .

در این تردید نیست که ایران امروز آن ایران زمان داریوش نیست و نه ایران دوره شاه عباس کبیر است لیکن امروزه يك مملکتی است ، خوب یا بد ، در مقدرات آینده امپراطوری بریتانیای کبیر و ممالکی که در مشرق زمین دارد این مملکت تأثیر مهمی خواهد داشت .

بنابراین لازم است قضایای این مملکت بطور دقت و با صبر و حوصله توسط سیاستمداران انگلستان مطالعه شود ، علاوه بر اینها این نوع مطالعات باید از روی

کمال آزادی عقیده طرف توجه قرار گیرد . (ص ۵۸۸).

در پایان این بیانات خود مؤلف علاوه نموده چنین می نگارد : « این طرز بیان نه عذر خواهی است و نه دفاع است و نه اغراق گوئی و نه زیاده روی است این بیان حقیقت است و اظهار آن کاملاً صادقانه می باشد من خود نیز اعتراف دارم که بحث در مسائل سیاسی دولتی روس و انگلیس درباره ایران يك مسئله بسیار دقیق بین المللی است من خود که يك فرد از افراد این دو ملت می باشم برای من خیلی مشکل است که بدون حب و بغض و بی طرفانه بطور کامل بتوانم آزادانه در این باب وارد شده بحث نمایم .

امید دارم نوشتجات سابق من مرا از تهمت دشمن نسبت بدولت روس تبرئه نموده است .

در این موضوع نیز بطور کلی سعی من این خواهد بود که قضیه را بیطرفانه و مطابق عدل و انصاف تعقیب کنم مخصوصاً در موضوعات منافع آنهائیکه با منافع خود ما در شرق تصادم پیدا می کند .

من این مسئله را از فکر خود خارج نخواهم نمود از آنکه روسها فعلاً تا اندازه زیادتری مقام - قدرت و نفوذ در دربار ایران بدست آورده اند در صورتی که تمام اینها در اوایل قرن جاری در دست بریتانیای کبیر بوده من چنین تصور می کنم که این تغییرات که در نتیجه نصیب رقیب ما شده و موفقیت قابل تحسین حاصل نموده است در اثر اوضاع و احوال سیاست خود ما بوده که این پیش آمدها رخ داده است چونکه سیاست ما عقلاً ضعیف و در نتیجه زیان آور بوده است در این صورت عیب کار ناشی از این دو موضوع است اینک ندبه وزاری به شیر ریخته شده همان است که امروز سیاست گذشته افسوس بخوریم و باید تصدیق نمود که فتوحات پی در پی دولت روس و سیاست ماهرانه بعدی آن که در ایران باجدیت تعقیب نموده سبب شد که يك مقام ارجمندی را در قضایای ایران دارا شود حال که باین مقام رسیده است پس لازم می باشد که برای هر اصلاح و ترمیمی درباره ایران با آن دولت مشورت شود .

علاوه بر این ها برای مقصودی که در نظر دارم لازم است قبلاً بدانیم تا چند

حدی روس ها این مزیت را دارا می باشند و میزان آن تاچه اندازه است و مقاصد آنها چیست ؟

اول نیت روسها و مقاصدی که برای ایران دارند : من می توانم باجرات و بدون اینکه از مخالفین خود بیم داشته باشم بگویم که مقصود روسها در ایران خصومت و دشمنی است .

وقتی که سوانح و اتفاقات قرن حاضر را از جلو نظر می گذرانم مشاهده می کنم که قطعه قطعه گاهی با جنگ و ستیز گاهی از راه دزدی و عیب جوئی خاک ایران را به تدریج تصاحب نموده است (۱) .

بوسیله معاهده گلستان در سال ۱۲۲۸ و ۱۸۱۳ روسها ایالت قفقاز ایران را پایتاد در بند و بادکوبه صاحب شدند و دولت ایران ممنوع شد از اینکه در بحر خزر کشتی مسلح داشته باشد .

در سال ۱۲۴۳-۱۸۲۸ در معاهده ترکمان چای ابروان و نخجوان و مرکز مذهبی اراسته بملاوه ۳ میلیون و نیم لیره غرامت نصیب روسها گردید .

پس از این تاریخ صحیح است که جنگی بین دولتین رخ نداده است اما سیاست تجاوز بخاک ایران در زیر نقاب دوستی و الفت در کار است هنگامیکه شاه در اروپا بود من مشاهده نمودم درباریان چاپلوس به شاه تهنیت می گفتند که در مدت سلطنت طولانی اعلیحضرت ذره از خاک ایران را از دست نداده است این تملق می بایست برای شنونده خیلی ناگوار باشد .

آیا این شخص در خاطر داشت که در سال ۱۸۶۹ هنگامی که روسها مرداب گراسنودسک و خلیج بالکان را متصرف شدند اعتراض شد که بخاک ایران تجاوز شده است ؟

(۱) بهترین شاعران قزاقها تاریخ می گویند که مصنفین خود انگلیسها نوشته اند باید دید در این تجاوزات روسها با ایران محرک اصلی آنها کدام دولت بوده چه کسی بروسها قوت قلب داده و حد کسی آنها را به تجاوز تحریک نموده و سیاست کدام دولت طالب ضعیف نمودن ایران بوده . تاریخ بهترین شاهد است .

هرگاه باین‌ها اعتراض شده چهقدر باشغال محل‌های چکشگر و آشوراده اعتراض شده‌است ؟

راجع به مرو هرگاه تصدیق بکنم که ادعای ایران بآن جلگه بی‌اساس بوده در صورتیکه خود تراکمه چندین بار اظهار انقیاد پیدایش ایران نموده بودند در این امر دیگر جای صحبت نیست که در وقت تصرف ترکمنستان و نواحی ماوراء بحر خزر بسیاری از دهات ایران بدست روسها افتاد .

چراگاه آنک که در دامنه کمبود داغ واقع است قراء قهقهه - مهینه - چاچا - دوشاخ - محل سرخس تمام این‌ها متعلق بدولت ایران بودند حال هیچ‌یک از آنها در تصرف ایران نیست (۱)

من در فصلی که برای خراسان نوشته‌ام در آن تذکر داده‌ام که دست اندازی و تجاوز هنوز هم که هست ادامه دارد و دولت ایران مکرر شکایت نموده است که تفسیر معاهده آخال راجع بسرحداث که در سال ۱۸۸۱ منعقد شده است و بوسیله آن روسها نواحی گل گلاب - گرم آب و کلاته چنار که متعلق بدولت ایران است جزو متصرفات خود قرار داده و ضبط نموده‌اند که مورد اعتراض دولت ایران است و امروزه نیز بمرور سرچشمه‌های آبهای کوهستانی را دارند تصاحب می‌کنند ، البته این نوع عملیات از طریق سیاسی و سائلی هستند که تدریجاً بخاک ایران دست اندازی می‌شود در صورتیکه برای مقاصد سیاسی میدان بس وسیعی را در نظر گرفته‌اند و این نظر هم باینکه کامباییهای مؤثری تضمین شده و بیش می‌رود .

اینک قدری تأمل نموده مقامیرا که روسها فعلاً دارا شده‌اند با ترتیباتی که در

(۱) کدام دولت بود در سال ۱۲۷۳ مطابق ۱۸۵۷ باعث عزل حاکم السلطنه از حکومت خراسان شده ؟

بصوابدید چه کسی حمزه ویرزاوالی خراسان شد و آن فنکار را برای ایران بار آورد و مرو شکست خورد ؟

در آن تاریخ محارک تراکمه ، مرو کدام دولت بود ؟ به جلد دوم تاریخ روابط صفحه ۷۸ مراجعه شود .

شصت سال قبل در نتیجه جنگ اخیر خودشان با ایران دارا بودند تطبیق بکنیم خواهیم دید چه نتایجی در این مدت بدست آورده اند که تمام آنها را در سایه سیاست صلح طلبانه بدست آورده اند بدون اینکه يك فشنگ هم بکار ببرند تماماً از طریق سیاست صلح جویانه پیش رفته اند ، حال راه عملی این موفقیتها چه بوده کاری بآن نداریم ما نتیجه را مشاهده می کنیم با اینکه قوای نیرومند خودشان را در عملیات مخفی نداشته اند در عین حال اشتباه قابل ملامت را هم مرتکب نشده اند .

در آن تاریخ که بواسطه معاهدات گلستان و ترکمان چای دریای خزر تحت نفوذ روسها درآمد روسها در آن دریا نه قوه نظامی دریائی داشتند و نه وسائل کشتی رانی امروزه صدها کشتی های تجارتي امواج آن دریا را شکافته در آن رفت و آمد می کنند از آنجائیکه قوای بحری دیگر وجود ندارد کشتی های روس تمام سواحل آنرا تحت نفوذ خود در آورده اند به هر نوع عملیات نظامی و غیر نظامی قادر هستند ترقیات کشتی رانی در **روودونگا** تمام منابع قشونی قازان و روسیه مرکزی را با بحر خزر مربوط نموده است .

شصت سال قبل (۱) قفقاز هنوز بتصرف روسها در نیامده بود شیخ شمیل یا شیخ شاعل خار مؤثری در جلو روسها بشمار می رفت شهر تفلیس امروز مرکز قشونی روس شده است قوای غیر قابل جنگ آن بالغ بر یکصد هزار نفر است و در موقع جنگ می تواند دویست و هفتاد هزار نفر قشون تحت سلاح در آورد . خط آهن روس دریای سیاه را بدریای خزر وصل نموده عنقریب با خطوط آهن باممالک مرکزی روس ارتباط پیدا خواهد نمود امروز تمام موانع حتی کوچکترین مانع هم برطرف شده است در عوض يك موفقیت هائی بدست آورده است که دولت روس را بداشتن وسائل سهل و ساده طرق سوق الجیشی موفق نموده است .

حال اگر نظر خودمان را به طرف توأحی شرقی معطوف بداریم خواهیم دید موفقیت های روس با اینکه خیلی صعب و مشکل بوده در این توأحی نیز نده کم نبوده است .

(۱) مقصود از این تاریخها تاریخ انتشار کتابهای کرزن است در سال ۱۸۹۲ میلادی .

قبل از جنگهای ترکمنستان روس موقعیکه تراکمه بتصوراتی حدس می‌رفت دارای قوه خطرناکی هستند و هیچ دولت اروپائی جرئت این را ندارد که داخل نواحی قراقورم بشود در آن اوقات دولت روس مقصود خود را در متصرفات شرقی شهریار ایران بنام منافع تجارتی که يك نوع دام تزویر و فریب دهند مؤثری بشمار میرود تعقیب می‌نمود . فونسولها و نمایندگان فونسولگری در بعضی بتادر و شهرهای اغلب قسمت‌ها گماشته شده بود .

اول در رشت در زمان سلطنت محمدشاه بعد در استرآباد - بندر قز - مشهد سر و شاهرود بعدها در سال ۱۸۸۹ در خود مشهد که فونسول جنرالی را برقرار نمودند در جاهائیکه غیر ممکن بود و یا اوضاع و ترتیبات اجازه نمیداد که مستقیماً فونسول داشته باشند در عوض ارامنه روسیه را مأمور می‌نمودند که مقاصد آنها را در آن جاها انجام دهند و باین وسیله بمرور در تمام خراسان يك دام وسیعی از دسایس و حیله گسترده شد که کلر عمده آنها این بوده که قدرت و جلال و عظمت دولت مقتدر روس را در آن نواحی و مراکز و شهرها انتشار دهند و این فکر را رواج دهند که از روسها بمراتب می‌توان منافع زیادتری بدست آورد تا از کسان دیگر، انتشار این اراجیف بیشتر قوت می‌گرفت و قتیکه شنیده میشد سمرقند بدست روسها افتاد و خیوه را هم فتح نمودند بخارا را متصرف شدند تمام این‌ها در سامعه شرقی اثرات بس مهمی داشت چونکه حاکی از قدرت و عظمت روسها است که این ممالک را مغلوب نموده آنها را ضمیمه امپراتوری خود نموده‌اند و هر يك از این فتوحات در انظار شرقیان يك نوع ضربتی تصور می‌شد که بنفوذ و قدرت بریتانیای کبیر وارد آمده است .

البته نفوذ انگلستان نیز در این ممالک آسیای مرکزی بعد از شکست قشون انگلیس در افغانستان در سال ۱۲۵۷ - ۱۸۴۲ از بین رفت بود حالیکه پس از انتشار این فتوحات بمراتب زیادتر مؤثر شده است .

موضوع رقابت دولتمین روس و انگلیس صحبت هر روزی سکنه این ممالک است و در بازارها و قهوه خانه‌های شرق صحبت جز این نیست و حقیقت موضوعات را در آنجاها

بهر می‌توان شنید تا در مذاکرات پارلمانی لندن یا محافل دیگر انگلستان .  
موفقیت دیگر روسها در سال ۱۲۹۳-۱۸۷۲ بود در آن تاریخ که جنگ بین  
روس و عثمانی در گرفت اثرات آن در این ممالک این بود که معروف گردید دولت عثمانی  
مغلوب شده و این دولت دشمن دیرینه ایران بود .

در سال ۱۲۹۸-۱۸۸۵ يك موفقیت دیگری برای دولت روس پیش آمد آنهم  
عبارت از این بود که تراکمه را جنرال اسکوبلف (۱) بکلی مغلوب و قتل عام نمود و  
این فتح مانند يك صاعقه بود که در میان تمام طوایف آن حول و حوش افتاده همه را  
بوحشت انداخت .

از جمله کارهایی که اسباب شهرت روسها شد آن عده زیادی از ایرانیان بودند که در  
میان تراکمه اسیر بودند و حال آزاد شده بوطن خودشان مراجعت نمودند اینها مصائب  
و محنیکه از تراکمه بایشان رسید بود شرح داده آثار کنند و زنجیرهایی که در دست و  
پا داشته نشان می‌دادند و در ضمن از دلسوزی و محبت روسها که نسبت بآنها نموده بودند  
حکایت می‌کردند و روسها را نجات دهنده خود معرفی می‌نمودند .

حال منافعی که روسها از تصرف نواحی تراکمه نشین بدست آوردند اینست که  
آنجاها را بوسیله راه آهن ماوراء بحر خزر آباد و محکم نموده است و اثرات آن  
برای ایران و مسئله ایران دارای اهمیت فوق العاده می‌باشد هر در این باب مختصری  
می‌نگارم .

قبلا اهمیت راه آهن جنرال انینکوف (۲) را برای ایالت خراسان شرح داده‌ام  
و در آنجا تشریح نموده‌ام که بواسطه آن روسها تجارت شمال ایران را تحت اختیار خود  
در آورده‌اند هرگاه در جنوب يك چنین پیشرفت‌هایی برای بریتانیای کبیر دست ندهد  
نمی‌توان به مبارزه تجارتمی موفق شد و در آن موقع صریح نوشتم که در نتیجه مطالعات  
دقیق پیش رفت‌های دولت روس دیده می‌شود که در مقدمه پیش رو آنها تجار و سودا-  
گران هستند پس از استقرار آنها صاحب منصبان نظامی می‌آیند پس از اینها دیده

[1] Skobeloff

[2] Annenkoff

می شود که متاع کارخانه های مسکو پشت شتر و قاطر دنبال هم قطار شده در حرکت اند بعد طولی نمی کشد که نظامیان روس رسیده قشون ساخلوی خودشان را در آنجا ها مسکن می دهند .

وقتی که خوب متوجه می شویم خواهیم دید که در مجاورت راه آهن ماوراء خزر مرکز حکومت روس در عشق آباد است که از آنجا می شود بخوبی تعارفات و پیش کشی های فراوان برای امراء سرحدی ایران با آرامی فرستاد و آنها را تطمیع نموده و دست نشاندۀ خودشان قرار بدهند .

حقیقةً يك چنین نمایشات سیاست فوق العاده خطرناك است فعلا امید واری روسها در این است که یا در مرگ شاه در يك موقعی که اغتشاشی رخ بدهد موفقیت روسها را در این نواحی تأمین خواهند نمود و یا اینکه تقاضاهای حمایت از یکی و دوفتر از امراء ایران روسها را به مقصود می رساند و بعدها نیت باطنی خودشان را به موقع عمل خواهند گذاشت .

اما موقعیت روسها را راه آهن ماوراء بحر خزر و کشتی رانی در آن دریا برایالت خراسان ایران بخوبی ثابت نموده است راه قدیم بندرگز - استرآباد - شاهرود که از این راه خیال حمله را داشتند (به هندوستان) بواسطه کدوک صعب العبور قزلق متروک شد همچنین راه جلگه اترک از چکشلر که در جنگهای اولیه جنرال لوماکین (۱) و ترمکوزوف (۲) آنرا انتخاب نموده بودند جنرال اسکوبلف آن راه را در سال ۱۸۸۵ ترک کرد همین طور راه طهران به مشهد که راه عمومی است از این نیز صرف نظر شد جای تمام این راهها راه عشق آباد - قوچان به مشهد گرفته است که اخیراً نیز برای شسه کردن آن که راه نظامی باشد اقدام شده است و از این راه يك ستون قشون روس در مدت ده روز می تواند وارد مشهد شود و از راه مشهد - دوشاخ ، و راه سرخس به مشهد، درآینده از این دو راه آهن به مشهد کشیده خواهد شد .

راه آهن ماوراء کاسپین (دریای خزر) بخوبی می تواند قشونهای نواحی ماوراء

[1] Lomakin

[2] Tergukasoff



بهر خزر و ترکستان و سمرقند را حمل نموده به قشونهای مرو - غزل آروات و عشق آباد ملحق کند علاوه بر اینها چندان قشون زیادی هم لازم نیست من هیچ دلیلی نمی بینم چرا ده هزار نفر قشون روسها بتواند در مدت ۳ هفته بدون خونریزی مشهد را صاحب نکنند .

در این هیچ گفتگو نیست وضع نظامی روسها در امتداد تمام سرحدات شمالی از ارس گرفته تا رود تاجن مقام نفوق را دارا هست قریب یکهزار میل با ایران هم سرحد است و در هر نقطه از این سرحدات روسها می توانند تهدید کنند و این تهدیدشانرا هم با قوه نظامی عملی کنند .

از مرکز نظامی تفلیس و ایروان می توانند بهسولت باذربایجان حمله کنند نفوق او در بحر خزر ایرانرا تهدید می کند راه آهن ماوراء خزر اسباب خطر برای ایران است و بوسیله آن می تواند هر نظری که بخراسان داشته باشد انجام دهد .

یگانه وسیله دفاعی که ایران دارد قشون قزاق است و آنها هم در تحت فرماندهان و صاحب منصبان روس می باشند و مشکوک است که در موقع جنگ با روس آیا این قشون اطاعت صاحب منصبان خود را بمسقط الرأس خودشان ترجیح ندهند .

بهر حال هر زمان که روسها بخواهند مقصودی را در ایران انجام دهند و یا يك قصد سیاسی داشته باشند کافی است که بعد از نشونشان در یکی از سرحدات مجاور ایران علاوه کنند آتوق است که کابینه وزراء بلرزه افتاده و شاه مجبور است عاقبت کلر خود را بیندیشد .

هنگامی که شاه در سال ۱۸۸۹-۱۳۰۶ هجری در مسافرت اروپا بود روسها همین رویه را پیش گرفتند من از یکی از وزرای ایران سؤال نمودم چه چیز در انگلستان بیشتر توجه او را جلب نموده و چه چیز در اروپا ؟

جواب او به سؤال من این بود که بیشتری عده کارگران صنعتی در شهر - های داخلی اروپا و زیادی عده قشون روس در روسیه این دو موضوع نظر او را جلب نموده است .

روسها قشونهای خودشانرا در همه جا نمایش می دهند این است که ایرانی های این

عقیده را دارا شده اند که قشون روس پیش از قشون هر دولت است .

حال قصد روسها از این همه نمایش قشون چیست ؟ ایجاد این همه وحشت برای چه مقصود است ؟

روسها نیت خودشان را هیچ وقت مخفی نمی دارند . آنها ایران را پیک دولتی می شمارند که ممکن است فعلا متعرض آن نشوند حتی چنین صلاح می دانند که حالیه به آن احترام نموده در بعضی مواقع دلجوئی هم بکنند ولی در آخر کار قضایای آنرا حل شده می داند .

دولت روس تقسیم آبنده ایرانرا فریب به یقین می داند طوری که برای مملکت لهستان پیش آمد .

قبلا دولت مزبور تصمیم خود را در این باب گرفته است و سهمی را که باید ببرد معین نموده است هر شخص سیاستمدار روس یا هر صاحب منصب ارکان حزب روسیه در تعیین سیاست خود نسبت بایران در مقدمه آن است الحاق ایالات آذربایجان - گیلان - مازندران و خراسان است .

به عبارت دیگر تمام شمال ایران از شرق تا غرب . من تردیدی ندارم از اینکه اقداماتی که باید عملی بشود چه در موقع جنگ و چه در موقع بروز اغتشاشات که مناسب موقع باشد کاملا قطع شده است .

روسیه با آذربایجان ایران که چهل هزار میل مربع وسعت دارد و یک زمین حاصل خیزی دارد و یک سکنة زراعت پیشه در آن ساکن است و یک جمعیت جنگجوی سلحشور دارد و یک مرکز مانند شیر تبریز برای تجارت دارد نظر مخصوصی دارد امروزه آن ایالت حسد می برد چون در مجاورت روسیه واقع شده و در دسترس مرکز نظامی تفلیس است بدون زحمت می تواند آنجا را تصرف کند .

دیگر ایالت گیلان است که در ساحل بحر خزر واقع شده شهر رشت مرکز این ایالت است و بندر عمده طهران محبوب می شود و دارای ثروت سرشار است مجاور آن بهمان درجه اهمیت ایالت مازندران است و معروف است که بهترین سکنة کبری را دارا است .

اما برای دلایلی که قبلاً تذکر داده ام که مربوط به مسائل طبیعی است در این ایالات وجود مالاریا بیکانه وسیله دفاع برای مهاجمین است و بعد از تصرف آنها نگاهداری آنها هم مشکل می باشد .

من در جای دیگر نیز تذکر داده ام که برای روسها يك اشتباه بزرگی است بلکه خطای بزرگی است اگر بخواهند نواحی جنوبی بحر خزر را اشغال کنند ولی قضاوت من هر چه باشد در این تردیدی نیست که نقشه الحاق اینها از طرف ساکنین نواحی رود نوا صادر شده است تصرف اینها بالطبع باسترآباد نیز سرایت خواهد نمود باین ترتیب منجر بالحاق خراسان خواهد شد .

در هر حال اینها که من تذکر دادم اگر صورت بگیرد تمام شمال ایران از بد تصرف دولت ایران خارج شده بتصرف روسها خواهد آمد (۱) .

شاید تصور می شود که من از این بیانات قصد دارم نسبت بی عدالتی بروسها بدهم . خودشان اینها را کاملاً تکذیب می کنند و یابینکه تمام اینها خیالات واهی است و يك نوع حمله خیالی تصور شود که به صداقت و حقیقت و دوستی روسها منوجه است در این صورت من عین عبارات نویسندگان خود آنها را در این جا شاهد می آورم .

در اول دسامبر سال ۱۸۸۸-۱۳۰۵ نوبه و رامیا (۲) چنین می نگارد : « توجه ما بیشتر برای بدست آوردن خراسان مرکزیت پیدا نموده است این ایالت مجاور و متصل به متصرفات ماوراء بحر خزر ما است و ما از نقطه نظر صنعتی و تجارتمی محتاج باین ایالت می باشیم و روسها در آن ایالت نفوذ کاملی دارند که دیگران آنها را نمی باشند و راه مستقیم برای هرات از خراسان است و هرگاه عملیات نظامی بر علیه

(۱) در اینجا مؤلف حاشیه رفته گوید روسها این نظر را در سال ۱۸۳۰ پیدا کرده بودند . کاپیتان مگنان Mignan در تغلیس در يك مهمانی از قول گنت پاسکیویچ شنیده است که جنرال مزبور گفته من منتظر حکم امپراطور هستم که مملکت ایران را مندموم کنم .

(۲) روزنامه رسمی دولت روس و زبان وزارت امور خارجه آن دولت .

هندوستان پیش بیاید ایالت خراسان مرکز تحصیل آذوقه قشون مهاجم خواهد شد و این برای دولت روس کمال اهمیت را دارد زیرا که تمام آب هائی که نواحی حاصلخیز آخال و اتک را مشروب می کنند سرچشمه های آنها از ایالت خراسان است بنا -  
براین تقسیم این آب ها یکی از اسباب آبادی و ترقی نواحی ماوراء بحر خزر دولت روس است .

حال که قضیه این طور روشن است و طرز گفتار يك روزنامه رسمی چنین است  
دیگر جای سخن نیست .

در اینجا مشاهده می شود که طرز ذیل علناً بحث و توصیه می شود :

اول - حاکمیت بر خراسان .

دوم - تصرف خاک آن .

سوم - استفاده از آن ایالت برای يك مرکز عملیات نظامی بر علیه امپراطوری هندوستان بریتانیای کبیر .

خوب بود روزنامه نویه و رامبا اینرا نیز که همه نظامیان می دانند علاوه می نمود که : یکی از دلایلی که روسها برای تصرف خراسان و نظریاتی بآئیه آن ایالت دارند این است که راه آهن ماوراء بحر خزر قریب ششصد میل راه از مجاورت سرحدات خراسان می گذرد و در چندین محل ممکن است با مختصر قوه این راه آهن را که حربه مؤثر نظامی روس است در امتداد دامنه های کوهستانی این سرحدات مورد تهدید قرار داد .

روسها از این مطلب کاملاً مطلعند این است که بایک حرص و آزی برای تصرف خراسان می کوشند .

و اینکه روسها راه آهن خودشان را این اندازه نزدیک سرحدات خراسان قرار داده اند دلیل بزرگی است که اعتنائی بدولت ایران ندارند .

از قرار معلوم مقاصد روسها بدولت ایران پوشیده نیست و شکی نیست که فعلاً اغماض شده است این دیگر يك موضوع سیاسی سری نیست همه کس می دانند که در سال ۱۳۵۰ - ۱۸۸۳ یا در همان اوقات که روسها نسبت بایران تعدیات می کردند

يك معاهدهٔ سری نیز که علنی نشده بین ایران و روس منعقد گردیده بود که بموجب آن در تحت يك شرایط معینی به قشون روس اجازه داده شده بود ایالت خراسانرا اشغال کنند (۱) .

هرگاه کسی ، فرق نمی‌کند شاه یا دیگران ، در این موضوع قدری فکر کند اینکه ، حال قزاقهای روس وارد خیابانهای مشهد شدند و برای مدتی توقف نمودند و پس از چندی بیرون خواهند رفت و این اجازه را بدهد در این صورت این آدم باید کر باشد و کور که نداند روسها بچه وسیله مبالک آسیای مرکزی را تصاحب نمودند برای روس فرق ندارد ممکن است چه در لندن و یا در جاهای دیگر قول صریح بدهند که دست تجاوز بخاک ایران دراز نخواهند کرد .

وقتی که خیوه را متصرف شدند مرو را ضمیمه امپراطوری خود نمودند همین قولها را دادند پس آن قولهای صریح آنها چه شد که آزادی آنها را تضمین نموده بودند ؟

در دنیا این مطالب که تماماً اظهار دلسوزی از ایران بوده ، نه داشتن نگرانی از اینکه روسها به هندوستان نزدیک شده‌اند ، لرد کرزن تعدیات روسها را نسبت به ایران گوشزد نموده پس از آن شرحی هم از خدمات روسها اشاره می‌کند اینکه بعد از تصرف اماکن تراکمه عده زیادی از ایرانیها را آزاد نمودند بوطنشان فرستادند ، یکی هم از خدمات روسها این را می‌شمارد که روسها خاک تراکمه را تصرف نموده آنها را تحت اطاعت درآوردند و در آن نواحی امنیت برقرار گردید و در اثر آن ، ایالت خراسان نیز آسوده شد و از نفوذ امراء خراسان مقدار زیادی کاسته شده و دولت مرکزی ایران توانسته احکام خود را درباره آنها اجرا کند و آنها را باطاعت مرکز مجبور کند ، بعد علاوه کرده گوید : « اینست مقاصد روسها نسبت باذربایجان - گیلان -

(۱) مؤلف در این جا از کتاب مستر بنجامین وزیر مختار آمریکا که در باب ایران نوشته است شاهد می‌آورد من در این باب تذکر داده‌ام هرگاه کسی مثل من کتاب این مرد امریکائی را مطالعه نموده باشد شکی نخواهد داشت از اینکه این شخص کتاب خود را در تحت تأثیر سیاستمداران لندن تألیف نموده است .

مازندران و خراسان اما باید این را نیز علاوه کنم که این گفتار من روی توشتجات روزنامه نیست و یا به طور سادگی این مطلب را اظهار نمی‌کنم ، من خود واقفم که چه می‌نویسم .

این‌ها تماماً حقایق مسلم هستند ، هرگاه روسها بخواهند ایراد کنند من بآنها خواهم گفت :

ببتر است يك نظری هم بد نقشه جنرال کروپاتکین کنند که برای حمله هندوستان در سال ۱۳۵۳ - ۱۸۸۵ کشیده است و رسماً هم این نقشه قبول شده و آترا قدم بعدی پیش رفت‌های روس در آسیای مرکزی شناخته‌اند .

من تعجب خواهم داشت اگر تصرف آذربایجان - گیلان و مازندران جزو این نقشه نباشد مخصوصاً تصرف خراسان مقدمه تصرف هرات است .

باید از شاه ایران پرسید چه قدرها مورد تهدید روسها واقع شده است از اینکه هرگاه بآنها موافقت نکنند فلان ایالت یا فلان محل را اشغال خواهند نمود .

اما حرص جهانگیری روسها در این جا متوقف نخواهد شد و تمام شمال ایران حرص جهانگیری او را فرو نمی‌نشانند چشم سیاسیون آن به طرف جنوب نگران است . به خلیج فارس و دریای هندوستان نیز طمع می‌ورزند حرکات و پیش رفت‌های آنها را در اطراف جنوبی و شرقی خراسان قبلاً شرح دادم و عملیات مأمورین سیاسی آن‌ها را در این نواحی که خارج از حدود مشروع آن دولت است در شمال ایران متوجه به طرف سیستان است این خود يك دلیل روشنی است که قید آنها مترارز نمودن نفوذ بریطانیای کبیر در جنوب ایران است .

بعلاوه مبارزه آنها باها برای داشتن برتری و نفوقی است که هادر در بی هندوستان داریم ، و قصد دیگر اینکه يك مرکز بحری که مدتها است در بندر آن هستند که برای عملیات نظامی خودشان در شرق بدست بیاورند به این مقصود هم از دوراه می‌توانند تا با يك جنگ با دولت عثمانی که بغداد را تصرف کنند و یا این

که از راه دوستی با ایران کنار آمده خود را به خلیج فارس برسانند (۱) و از این دو طریق برای رسیدن به مقصود، دومی به مراتب سهل تر است و خطر آن نسبتاً کمتر و سهولت انجام آن قسمت محرک روسها شده آنها را به طرف جنوب می کشاند در این جا نیز اگر مرا متهم بکنند از اینکه نسبت بروسها بد بین هستم خوب است قدری نظر خود را متوجه وزارت خارجه روسیه بکنم و تفکر بدهم که در آن هنگامیکه جنرال کروپاتسکین نقشه خود را طرح می کرد يك قرار داد سری نیز باشاه ایران در شرف اتمام بود که يك ستون قشون روس حرکت نموده وارد خراسان بشود، در همان اوقات نیز يك بندر در خلیج فارس یعنی بندر عباس بروسها واگذار شود .

علاوه بر امتیاز راه آهنیکه روسها به این عجله و فشار از شاه ایران تقاضا می نمودند يك منخرج بحری هم در چاه بهار در ساحل بلوچستان ایران بضمیمه آن تقاضا مینمودند (ص ۵۹۸) .

مؤلف در این جا قدری هم از تاریخ گذشته ایران حرف می زند و درجه اهمیت روسها در زمان سلاطین صفویه در پیش ایرانیان تاجه میزان بود از آن صحبت می کند و از شاردن معروف که در عهد صفویه در ایران بوده و چند جلد کتاب راجع بآن عصر نوشته است شاهد می آورد می گوید :

« ایرانیها در دوست سال قبل روسها را مردمان بلید و آنها را اوزبک اروپائیا می دانستند بعد از این شرح مجدداً از اعمال روسها در ایران صحبت می کند می گوید: « در سال ۱۲۸۹ - ۱۸۷۲ که بارون جولوس رویترا امتیاز بالابلند خود را از میرزا حسین خان سپهسالار گرفت این روسها بودند که مخالفت جدی نموده الغای آنرا باعث شدند و این يك سال بعد از اعطای آن امتیاز بود که شاه به پطرزبورغ رفت و روسها در آنجا جداً با این امتیاز مخالفت کردند .

(۱) در این باب و بگام کتابی نوشته است موسوم به مسئله ایران در آینده بآن اشاره

می شود .

در سال ۱۳۵۲ - ۱۸۸۴ که يك عده صاحب منصبان اطريش بايران آمده مشغول تنظيم پست ايران شدند روسها اشكال تراشي نمادند که نکردند تا اینکه از موفقیت آنها جلوگیری کنند .

اینکه امتیاز رود کارون برای کشتی رانی این اندازهها طول کشید که بانگلیسها داده شود برای این بود که وزراء مختار دولت روس مخالفت می کردند و وقتیکه از امضاء این امتیاز مطلع شدند غوغائی در روسیه برپا نمودند و آنها هم اصرار نمودند امتیازی مطابق این امتیاز مطالبه نمایند و آرام نشدند تا اینکه بمقصد نایل شدند و شرافت ملی شان محفوظ ماند .

در تشکیل بانک شاهنشاهی ایران از طرف دولت روس هیچ مساعدت نشد بلکه هر چه توانستند مخالفت نمودند هر گاه اوراق مخالفت های روسها را برای امتیازات راه آهن که مکرر در مکرر مذاکره آن پیش آمده است در يك جای جمع شود يك کتاب ضخیمی را تشکیل خواهد داد .

اخیراً من در دو وعده دیدم که روسها مانع احداث راه آهن ایران بوده اند اول اینکه يك مانع بزرگی ایجاد نمودند آن عبارت از این بود که از شاه مستد گرفته تا پنج سال راه آهن در ایران کشیده نشود و بعد از آن بواسطه نفوذ وزیر مختار روس در طهران مدت آن بده سال امتداد یافت و با این اقدام معلوم است که نه سال هیچ خط آهنی در ایران کشیده نخواهد شد مگر با رضایت امپراطور روس .

من موضوع را حال قدری کش داده پیش می روم و می گویم در عرض بیست سال گذشته هر پیش نهادی برای ترقی و بهبودی وضع ایران پیش نهاد شده روسها جداً مخالفت نموده آنها را پایمال کرده اند و بهیچ وجه راضی نشده اند اصلاحات در ایران صورت بگیرد .

در یکصد و پنجاه سال قبل وصیت نامه مشكوك بطر کبیر که سرمشق سیاسی به بیروان خود داده است در آن می نویسد : در انهدام ایران عجله کنید و داخل آن مملکت شده خودتان را به خلیج فارس برسانید راه تجارتی قدیمی سواحل شرقی



مدیترانه (۱) را برقرار کنید و بطرف ممالک هندوستان جلو بروید هندوستان خزانه جهان است .

اما راجع بایران هیچ بهتر از این سیاست را برای روسها نمی توان توصیه نمود. مقصود روسها این نیست که ایران آزاد شده سعادت مند بشود بلکه می خواهد از استقلال محروم شده برای همیشه مقید باشد.

ایران در نظر روسها برای دوستی و اتحاد خوب نیست باید در تحت فرمان و اطاعت آنها باشد و دارای حیات سیاسی نشود بلکه استقلال آن را بکلی از بین ببرد.

هرگاه من بروسها اقترا میزنم و به مقاصد آنها تهمت وارد می آورم منشأ تمام آن از خود آنها است البته رفتار عادلانه آنها در آینده تهمت های مرا تکذیب خواهد نمود .

من حتی این موافقت نظر را هم ندارم که با حرص جهانگیری روسها و توسعه متصرفات آنها بخرج دولت ایران در شمال آن مملکت همراه باشم و این حسادت ملی را هم ندارم که بگویم دولت انگلستان برای خود قسمت هائی را تصاحب کند من یقین قطعی دارم که دولت انگلستان نه می خواهد نه خواهد لازم داشت که برای خود قسمتی از نواحی ایران را اختصاص بدهد بعلاوه من يك منقذ فاسد هم نمی باشم که عملیات خوب روسها را در شرق انکار کنم چه در این باب قبلاً تذکر داده حال نیز تکرار می کنم که رویه دولت روس در تصرف ممالک آسیای مرکزی اگر چه غالباً به وساطت غیر شرافتمندانه بوده ولی بیک موفقیت های قابل ملاحظه هم نایل آمده است که قابل تقدیر می باشد ، و آن اغتشاش و هرج و مرج که در آن ممالک بوده به آرامی و سکوت و امنیت مبدل شده است تا اینکه مختصر علایم از تمدن اروپا نیز در آن صفحات پیدا شده است .

من موفقیت های او را در ماوراء بحر خزر و ترکستان تحسین نمودم و من هرگز با کسانی که مخالف سلطه او بآن نواحی هستند همراه نخواهم بود .

اما در موضوع ایران نظریات من غیر از این هاست زیرا که با آن عنذهای دولت روس که برای خود تراشیده و پیش رفت خود را در ممالک آسیای مرکزی يك نوع صورت حق بجانب جلوه داده است ، اما این سیاست درباره ایران هیچ موضوع ندارد . هیچ کس نمی تواند اظهار کند که سکنه خراسان مثل سکنه ترکستان مردمان وحشی و خونخوار هستند و یا اینکه اسباب زحمت همسایه خود شده مخرب مقررات اصول اجتماع هستند .

هیچ نوع عدم امنیت مالی و جانی در خراسان و یا در آذربایجان وجود ندارد که بفرستادن قوه نظامی و اشغال آنجاها محتاج باشد در آنجاها يك هیجان خطرناکی هم وجود ندارد که باین عملیات احتیاج داشته باشد برعکس ملت ایران آرام و سلامت پیشه و آزارشان با حدی نمی رسد (ص ۶۰۲) و خطری برای کسی محسوب نمی شوند و در بعضی مسائل اجتماعی بمراتب جلوتر و در تمدن مانند خود روسها پیش هستند .

ایرانیها يك ملت بخصوصی هستند و در يك مملکتی موسوم بایران ازادواری که کسی از آنها یاد ندارد متمکن شده اند يك سلطنت مستقل از خود دارا هستند مذهب آداب و رسوم و صفات مخصوص بخود دارند من هیچ دلیل نمی بینم که بحق حاکمیت آنها کسی تجاوز کند و بحقوق ملی آنها لطمه وارد سازد و این ملت را در تحت فرمان خود در آورد . حکومت فعلی ایران روی هم رفته قابل ستایش نیست اما حکومت خودروسیه هم مزیتی بر آن ندارد و نمی توان با حکومت ایران که تاریخ گذشته آن قابل احترام است طرف مقایسه فرار داد .

مهمتر از کلیه اینها نظری است که روسها نسبت بایالات جنوبی و خلیج فارس دارند در این جا نه تنها هر شخص انگلیسی به نفع ایران اعتراضی خواهد نمود بلکه دولت انگلستان نیز مکلف است بنام منافع بریتانیای کبیر اعتراض کند هیچ مرد سوسیالیستی هم نمی تواند يك چنین منطقی داشته باشد که نسبت بیک چنین پیش آمدی نظر موافق اظهار کند امنیت هندوستان مقصود اصلی و اساسی بریتانیای کبیر است نفوذ و اقتدار انگلستان که در دریاها و جنوبی در نتیجه مراقبت های دقیق و فداکارانه ای شده است که در این مدت بواسطه پیروی مقاصد خود متجدد شده است و عدم صرف منافع

دولت روس در امتداد هزارها میل در این نواحی و بدون استعداد کافی خود دولت ایران در این قسمت ها که به تنهایی می تواند با هر پیش آمدی مقابله کند تمام این ها دلایل محکمی هستند بر علیه هر گونه تجاوزی که بخواهند در این جاها عمل کنند . این عمل فقط وقتی می تواند انجام بگیرد که تمام مقررات جاری و اخلاقی بین العالی زیر پا گذاشته شود و این حرکت برخلاف تمام اصول عالم متمدن شناخته خواهد شد بالاخره يك جنگ هولناکی با انگلستان پیش خواهد آورد که از قطب شمال تا قطب جنوب صدای مهیب آن شنیده شود .

این تنقیدی که در این جا از سیاست دولت روس کرده می شود و عقیده که من اظهار می دارم منحصر بعقیده انگلیسی تنها نیست بلکه با این نظر اکثریت سکنه ایران شریک هستند و آنرا تصدیق دارند عقل و فراست سیاسی ایرانیان موهبتی است که در سرشت ایرانی ذاتی می باشد (۱) .

اغلب آنها باین صفت ممتاز و طبعاً بدان آراسته هستند چه بسیار دیده شده و به تجربه رسیده است که مسائل بس مهم سیاسی را اشخاص عادی این ملت که چندان مقامی هم نداشته اند حل و عقد نمودند .

ایرانی ها از شاه بیادین تماماً به نیات و مقاصد روسها تاحد زیادتری آشنا شده اند و به ترتیبات آنها سابقه دارند .

روسها را ایرانیها يك دولت طرفدار ملت ضعیف یا مظلوم نمی دانند بلکه آنرا دشمن آزادی خود بشمار می آورند و بدون تردید موافقت و هم دردی آنها عموماً بطرف دیگر که مخالف با این ترتیبات می باشد متوجه است .

اما امروزه متأسفانه ایرانی ها ضعیف می باشند و باین صفت خودشان نیز آگاهند . اما در میان يك ملتی که روح اخلاقی و عرق حمیت و حس تمیز وجود داشته باشد آن ملت را هر وقت شده بطرف قیام و جنبش ملی سوق خواهد داد که برای نجات خود يك کوششهایی بکند .

[1] Political Acumen is One Of the Gifts With Which the Persian Character is Most Richly Endowed . P . 6۵3 . Vol . 2 .

اما این پیش‌آمدها در اخلاق ایرانی برعکس نتیجه بخشیده آنها را مأیوس و ناامید گردانیده بنون این‌که دست و پائی بزنند منتظر این بلا هستند و معتقدند که نمیشود از آن جلوگیری نمود .

آنها از روس‌ها می‌ترسند و همین‌طور هم می‌پرد می‌گویند و این همه تحمل و سکوت نتیجه ترس آنها است و يك چنین پیش‌آمدهی در تاریخ بی‌نظیر است ، ترس يك ملتى بقدری غلبه‌کنند که آزادی آنرا به‌خطر اندازد .

هرگاه این مسئله روشن شود طوری که من مجسم کرده‌ام اینکه سیاست‌روس‌ها در ایران با يك نیت بد و سوء قصد و تجاوز اعمال میشود من امیدوارم عکس آنرا که عبارت از سیاست انگلیس در ایران باشد نشان بدهم و ثابت کنم که نظر انگلستان نسبت بایران درست مخالف سیاست دولت روس است .

سی و پنج سال قبل از این بود که دولت انگلیس با ایران در جنگ بود و این جنگ در زمان همین شاه فعلی پیش آمد حال دیگر آن واقعه بکلی فراموش شده است و در همان وقت نیز از ده نفر انگلیسی ۹ نفرشان از این قضیه مطلع نشدند<sup>(۱)</sup> با این حال آن يك نفر هم نمی‌تواند بگوید این جنگ برای چه پیش‌آمد .

شاه ایران دو مرتبه بانگلستان مسافرت نموده<sup>(۲)</sup> در هر دو مرتبه پذیرائی شایانی از او بعمل آمده است و حال نیز قسمت مهم ستونهای جراید انگلستان را موضوعات ایران اشغال نموده است .

(۱) چونکه جنگ انگلیس با ایران در سال ۱۸۵۷-۱۲۷۳ بدون اطلاع پارلمان انگلیس بود . یاد داشت های ارل آف مالمزبوری جلد دوم صفحه ۷۷ .

Memoirs of an Ex - Minister . By Earl Of Malmesbury . Vol . 2 . P 77 .

(۲) ناصرالدین شاه ۳ بار باروفا مسافرت نمود سفر اول سال ۱۸۷۳-۱۲۹۰ . سفر دوم سال ۱۸۷۸-۱۲۹۶ . سفر سوم سال ۱۸۸۹-۱۳۰۵ . فقط در سفر اول وسوم بانگلستان رفت . در سفر دوم انگلیسها عذر آوردند و شاه منصرف شد که بانگلستان برود .

انگلستان علاقه مخصوص بایران دارد باینکه توجه مخصوص کارهای آن را مواظبت می‌کند .

سرمایه‌های زیاد سرمایه داران انگلیس بایران و سواحل جنوبی آن حمل می‌شود و اینها دلایلی کافی هستند که علاقه تازه در انگلستان نسبت بسعادت ایران پیدا شده است و باین احساسات مخصوص تولید شده که مقدرات ایران تاحدی بمقدرات انگلستان توأم می‌باشد بقای آن مربوط بقای انگلیس است هیچ بیانی ساده تر و روشن تر از این نمی‌توان اظهار نمود .

من امیدوارم پس ازدادن این همه اطلاعات که در این دو جلد کتاب جمع آوری نموده‌ام اهمیت ایران برای انگلستان باید بخوبی روشن شده باشد - احصائیه و ارقامی که راجع بتجارت جمع آوری نموده‌ام مخصوصاً در باره تجارت ایران - انگلیس و تریستحانی که در بنای منابع طبیعی سرشار آن مملکت داده‌ام و از فرصتهایی که امروزه ممکن است از این منابع استفاده نمود ، و اوضاع داخلی آنرا بطرف ترقی سوق داد و زمیندهایی که برای بکار انداختن سرمایه کافی و بطور مشروع در آنجا فراهم است . تمام اینها وسائل مؤثر و محرک حقیقی روح اقتصادی انگلستان بشمار می‌روند .

رقابت تجارتمی امروزه دنیا ماتدیرک گردباد و طوفان عظیمی است که فضای عالم را احاطه نموده است از دست دادن یکی از بازار های تجارت دنیا باین نوع و اما قدرتی محسوب میشود اینست که عدم توجه به مملکت ایران این معنی را خواهد داشت که سدها هزار از مکنه انگلستان و هندوستان را که فعلاً از آن مملکت بوسیله تجارت از تراق می‌کنند قربانی کنند .

توجه دوستان نسبت بایران این دلیل را خواهد داشت که بیشتر کشتی‌های انگلیسی بکار افتاده شغل و کار برای انگلیسها بیشتر فراهم گردیده و کارخانه‌های انگلیسی بیشتر بکار افتاده است .

البته قراردادون اهمیت ایران روی منافع تجارتمی تنها کافی نیست این بیک قضیه قوی و محکم بشمار نمیرود اما هر گد وضع طبیعی ایران را و مجاورت این مملکت با افغانستان که چندین سال مسامحت دارد و نزدیک بودن با سرحد غربی امپراطوری

هندوستان را در نظر بگیریم آیا اینها دلایلی کافی نمی باشند که اهمیت سیاسی ایران را در انظار انگلیسها مجسم کند و با اینکه اقلاً سیاست روسها در ایران که شرح آن گذشت متوجه شده و از رفتار آنها در آن مملکت مطلع شوند ؟

روسها چشم طمع به خراسان دارند برای اینکه در تصرف هرات عامل مؤثری است . به ایالت سیستان طمع می ورزند برای اینکه دست آنها را در بلوچستان آزاد خواهد گذاشت .

به تمام شمال ایران نظر دارند چونکه مرکز منابع بزرگی است که ممالک آسیای مرکزی روسها را از قحط و غلات تجات خواهد داد و قوای نظامی آنها را به مراتب قوی تر خواهد نمود که بتوانند بتجاوزات خود ادامه دهند .

به خلیج فارس چشم طمع دوخته اند چونکه يك بندر و پناهگاه خوبی است که از آنجا می توانند بندریای هندوستان دست اندازی کنند . تمام اینها نکاتی هستند که به عقیده من کسانی که مال بین هستند نباید در آنها هیچ نوع تردیدی داشته باشند .

در این صحبت نمی رود که روسها برای خود نقشه صحیحی طرح کرده اند اگر چه خیلی عریض و ضویل است و افراط بنظر می آید اما اگر تاریخ استیلای آنها را به ممالک آسیای مرکزی بنظر بیایید خواهید دید هر وقتیکه آن دولت آرزو می کرد که زیاده تر داشته باشد ادعای زیادتری می کرد و برای اینکه موفق بشود بیشتر در تجاوزات خود اصرار می ورزید، از آنجائیکه اعتنائی بکسی ندارد می تواند هر مقررات اخلاقی بین المللی را هم زیر پا بگذارد .

اما باید در خاطر داشت که ما انگلیسها نباید قضیه را از نظر روسها نگاه کنیم بلکه از نظر انگلیسها باید قضیه را حل و عقد نمائیم و در آن فضاوت کنیم اگر ما حاضر نیستیم بینیم ایران هم بیروز بد بخارا و خیره گرفتار شود و راضی نیستیم مشاهده کنیم ایران تسلیم دولتی شده که منابع آسیای مرکزی آن دولت خواهد بود . در آینده با منافع ما تصادم خواهد نمود در این صورت انگلیسها باید قیام نموده قاهر جائیکه ممکن است تمامیت ایران را تضمین نموده حفظ آنها را یکی از اسال اصلی سیاست

امپریالیست خود قرار بدهد (ص ۶۰۵) .

این موضوع اساسی در عرض سنوات قرن نوزدهم مکرر از طرف دولت انگلستان شناخته شده است و اغلب با تأکید تعقیب شده است از زمانی که سر جان ملکم در بوشهر پیاده شد (۱۲۱۵ - ۱۸۵۰) یا امروز ایران در نظر انگلیسها گاهی دارای اهمیت بوده و گاهی بی قدر و چندان اعتنائی بآن نشده است در يك زمان بانحف و هدایای فراوانی خود را بآن نزدیک نموده ایم در وقت دیگر با نهایت امساک و پستی یا آن ملت رفتار کرده ایم .

افکار عامه چه در انگلستان و چه در هندوستان گاهی فوق العاده باحرارت بوده و زمانی هم بی اندازه سرد و جامد بوده است .

مامعاهدات زیادی با ایران منعقد نموده ایم و در مقابل آنها تعهدات زیادی را قبول نموده ایم و حتی معاهده حمله و دفاعی با آن مملکت برقرار کرده ایم ولی موقعیکه انجام آن تعهدات پیش آمده است شانه خالی کرده از انجام آنها روگردان شده ایم و بالاخره هم آن تعهدات خود را که خود پیش نهادکننده آنها بوده ایم بامختصر پولی خریداری نموده ایم .

گاهی با آن به ملاحظت و مهربانی رفتار نموده ایم گاهی هم به جنگ و ستیز آغاز نموده ایم .

فشون ایران را هم تعلیم نظامی داده ایم و هم با آن جنگیده آنها را شکست داده ایم .

گاهی ملت ایران را بنام و نعمت پرورانده و گاهی هم بکلی از آنها غفلت کرده ایم .

سیاست انگلیس در ایران دزهدرو حالش یادوستی نزدیکتی داشته ایم و با دشمن خیلی خطرناک و شدید آنها بوده ایم . (۱)

(۱) به نظر نگارنده سیاست انگلیس در ایران از ابتدای قرن نوزدهم هیچ تغییری نکرده همان بوده که از اول قرن بوده لرد اعظم که يك سیاستمدار ماهر است مانند خود بقیه در حاشیه صفحه بند

در سال اول قرن حاضر که لرد ویلزلی (۱) باب مرآده را با دربار ایران افتتاح نمود در آن تاریخ ما وحشت فوق‌العاده از حمله افغانها داشتیم و افغانها را يك خطر بزرگی برای هندوستان خود فرض می‌نمودیم بعد ظهور صاحب منصبان فرانسوی در طهران و نیت آنها در ایران ترس فوق‌العاده در ما ایجاد نمود .

هنگامیکه خطر افغان بر طرف شد و طشت فرانسویها در طهران از یام افتاد ما تصور نمودیم ایران را بدو وسیله ممکن است نگاهداری کرد یکی پول ، دیگری تعلیمات نظامی ، باین دو وسیله می‌توان در مقابل هر دشمنی ایران را سدی محکم قرارداد .

این نیز يك نوع امید و آمال بوده در سال ۱۲۴۹-۱۸۳۳ و سال ۱۲۵۳-۱۸۳۷

بقیه از حاشیه صفحه قبل

انگلیسها استدلال می‌کنند جز این نمی‌توانند باشد سیاست انگلیس از روز اول برای ایران این بوده که ایران ضعیف باشد ، اول دولت روس بعد دولت عثمانی پس از آنها افغانستان هر سه را بجان ایران انداختند ، روسها از اشغال ایران بهره نمی‌بردند ایران نه خبیث بود و نه بخارا و نه مرو بملایه روسها طالب رفتن هند بودند و برای این مقصود نیز راه سهل‌تر و بهتری پیدا کردند . بایش سکه ساحشوری که بششون روس کمک کند . این مزیت در ایران غیر ممکن بود .

برعکس تمام ایران مطمح می‌شد و از آنها جاوگیری می‌کردند . این بود که روسها راه ایران را از اواسط قرن نوزدهم بکلی ترک نموده به ترکستان متوجه شدند این بود که دست از گریبان ایران برداشتنند .

اما دو دسته دیگر که عبارت از تبار افغان باشد در دشمنی ایران بی‌امتنه عدم رشد و تمیز سیاسی باقی ماندند هر گاه رشد سیاسی این دو دسته عم مانند روس بود مخالفت‌های بی‌درپی اینها که بیشتر آن مخالفتها بی‌امتنه تحریک همسایه‌ها می‌بود هرگز روی نمیداد این حقیقت مسئله است اما روسها مانند خود انگلیسها مهارتی در سیاست ندارند اگر تاریخ سیاست را ورق بزنید خواهید دید که پانزدهم و دو دهه پیشکه مشین بار در عرض قرن نوزدهم از انگلیس‌ها گول خوردند و آل آنها شدند مخصوصاً در ایران وقتی که با روسها دوست بودند هر آزاریکه باید از انگلیسها بایران برسد یا دست روسها احاطه می‌شد در این باب فرصت پیدا کرده بیشتر بحث خواهم نمود .



وسال ۱۲۷۲-۱۸۵۶ این ترس اغراق آمیز باز تولیدگردید اینهمه در اثر این بود که ایران بقصد تصرف هرات اقدام می نمود مانیز باولین جنگ خود باافغانستان قیام نمودیم و نتیجه آن برای انگلستان فوق العاده وحشتناک بود (۱) ... (ص ۶۵۶) ،

دراینجا لرد معظم تاریخ روابط سیاسی انگلیس را در عرض هفتاد و پنج ساله اول قرن نوزدهم بهیچ وجه متعرض نشده و از وقایع آن ایام اشاره نمی کند فقط بطور خیلی مختصر و در چندین جمله آنرا گفته و گذشته است و خواننده را به کتاب سرهنری رالنسون موسوم بروس و انگلیس در شرق مراجعه داده است .

تاریخ روابط سیاسی انگلیس با ایران قسمت های مهم آن که سوانح بس قابل توجه و مطالعه می باشد شامل در همین هفتاد و پنج ساله اول قرن مزبور است دراینجا که لازم بود با آنها اشاره شود بکلی مسکوت گذاشته رد شده است هرگاه تاریخ سوانح آن نوشته شده بود دیگر نمی توانست در چند صفحه قبل بگوید مقدرات ایران تاحدی با مقدرات انگلستان توأم می باشد (۲) .

اسباب ضعف و تبیه و سائن اضمحلال قوای ایران در همین سنوات اولیه قرن نوزدهم برده یعنی در هفتاد و پنج ساله اول آن از معاهده سرجان ملکم

(۱) این موضوع را اخیراً تریولیان G . M . Trevelyan در کتاب خود موسوم بتاریخ انگلستان در قرن ۱۹ با تفصیل نوشته است گوید : لرد اکلانند مصمم شد افغانستان را تحت استیلاي خود در آورد شاه شجاع را آراسته باافغانستان فرستاد و دوست محمدخان را مجبور کرد این واقعه بعد از ۱۲۵۳ - ۱۸۴۷ بود که محمد شاهرا مجبور نمودند دست از محاصره هرات بردارند (ص ۳۱۷) .

راجع بسال ۱۲۷۲ - ۱۸۵۶ می نویسد در سال ۱۲۷۰ - ۱۸۵۵ لرد داو هوس و سرجان لارنس و لرد کانینگ با دوست محمدخان مساعدت نموده بواسطه اعزام يك عده کشتی های جنگی بخلیج فارس و اشغال بوشهر و محصره شاه ایران را مجبور نمودند که هرات را تخلیه کند و در مقابل این دوستی دوست محمد خان در تمام مدت بلوای هندوستان دوست باوفاي انگلستان بود و دوستی او در این تاریخ دارای اهمیت فوق العاده به شمار می رفت (ص ۲۲۰) .

[2] Its [ Persia , s ] Existance Is In A Measure Bound up With Our Own . P . ۶۵۴ . Vol . 2 .

شروع شد خاتمه آن برای حکمیت سرفردریک گلداسمید در سال ۱۲۹۵-۱۸۷۲ و سال بعد آن که مسافرت شاه بلندن است خاتمه پیدا می کند کنگ در همین جا ختم می گردید ولی دنباله آن تا آخر قرن فوق و بعدها نیز کشیده شد که حداعلای آن معاهده ۱۹۰۷ می باشد و دنباله آن قرارداد ۱۹۱۹ .

چه قدر خوب بود که لرد معظم به سوانح این ایام نیز خود اشاره می نمود و ست عهدی و پیمان شکنی های دولت انگلیس را خود متذکر می شد من این قسمتها را طوری که وسائل و مدارک در دست رس بود ذکر کرده گذشتم شصت سال این مدت با نهایت بی اعتنائی و دشمنی و با حالت جنگ و ستیز با ایران گذشته و باقی آن نیز از طریق صلح و صفا با ملایمت و آرامی گذشته ولی با منتها درجه بی انصافی که هیچ وقت منافع ایران رعایت نشده است و به تمام اسناد و مدارک آن در این کتاب اشاره شده است .

راجع به وقایع و سوانح هفتاد و پنج ساله قرن نوزدهم که انگلیسها با ایران روابط مستقیم پیدا نموده بودند لرد مؤلف چنین می نویسد :

« وقایع و گذارشات سیاسی سه چهارم قرن نوزدهم را سر هنری رالسون (۱) بایک استادی و مهارت قابل تقدیری در کتاب خود موسوم به انگلیس - روس در شرق برشته تحریر در آورده است من خوانندگان خود را بدان کتاب نفیس مراجعه می دهم تا هر کس که می خواهد درجه صعود و نزول سیاست این مدت انگلستان را در ایران مطالعه کند وضع و غش و شوق و ذوق ما را نسبت با ایران بداند ، و سوانح ده ساله اخیر نیز از ۱۲۹۲-۱۸۷۵ تا ۱۳۰۳-۱۸۸۵ میتوان گفت شبیه به همان سوانح سنوات قبل بوده زیرا که سیاست مادر دست دو برادر یکی سر تایلور تامسون (۲) دیگری سر رونالد تامسون (۳) که مدتها در تهران مانده بودند و محیط ماکت مملکت ایران در آنها تأثیر زیادی نموده بود در نتیجه بواسطه این تأثیرات فاقد روح ابتکار شده بودند و به

[1] Sir Henry Rawlinson

[2] Sir Taylor Thomson

[3] Sir Ronald Thomson

همین دلیل نفوذ انگلستان در دربار شهریار ایران بی اندازه ضعیف شده به منتها درجه تنزل رسیده بود (۱).

برعکس روسها در عرض این سنوات پیشرفت‌های مهمی در سیاست خود در ایران نموده بودند لیکن از سال ۱۳۵۳-۱۸۸۵ تا سال ۱۳۵۷-۱۸۸۸ که سر آر تور نیکولسن (۲) که در دربار ایران سمت شارژ دافر دولت انگلیس را داشت بعد در زمان سر هنری دروموندولف که یک مرد لایق و کامل در فن سیاست بود و همچنین در دوره سرفرانک لاسلس (۳) در مدت شش سال بعد سیاست انگلستان در ایران رونقی گرفت قدرت و نفوذ تازه بدست آورد که از زمان مرگ فتحعلی شاه تا این تاریخ نفوذ دولت انگلیس باین اندازه موفقیت حاصل نکرده بود.

اینک از این موفقیت‌های اخیر و تجدید نفوذ انگلستان در ایران قدری صحبت می‌کنم:

تاریخ سیاسی انگلیس را با ایران در این قرن (۱۹) در چهار ستون متوازی که چهار رشته بخصوصی را نشان بدهد ترسیم نموده توضیح می‌دهم.

اول سیاست - دوم نظام - سوم تجارت و چهارم احداث سیم تلگراف، اما راجع به قسمت سیاست من آنرا قبلاً بطور خلاصه اشاره نمودام و در اینجا دیگر اظهاری نمی‌کنم همانطور که اشاره شده این قسمت را سر هنری والنسون بخوبی در کتاب خود شرح داده و از عهده هم بخوبی برآمده است.

راجع به نظام ایران نیز که انگلیسها دخالت‌هایی در آن داشتند در تاریخ نظام آن دولت قبلاً گفته شده است اما در باب تجارت در آن موضوع نیز در فصلیکه برای

(۱) در اینجا مؤلف حاشیه رفته گوید باید انصاف داد يك قسمت عمده آن نیز تقصیر خود کابینه انگلستان بود مخصوصاً دولت وقت از سال ۱۸۸۰ تا ۱۸۸۵ اشاره به کابینه گلاستون است که سیاست تصرف مصر را تعقیب می‌نمود من در فصل ۵۳ جلد چهارم در باب مشروحاً نوشته‌ام.

[2] Sir Arthur Nicolson

[3] Sir Frank Lascelles

تجارت نوشته‌ام مشروحاً بیان داشته‌ام فقط در اینجا باقی می‌ماند موضوع تلگراف ایران که دولت انگلیس آنرا در ایران ایجاد نمود و این مسئله هم در روابط داخلی ایران و هم در روابط خارجی آن مؤثر بوده است (ص ۶۵۷).

مؤلف در اینجا داخل در تاریخ احداث سیم تلگراف در ایران شده یک تاریخچه مشروحي برای آن نوشته است که قبلاً در فصل سی و پنجم تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس شرح آن گذشت.

پس از آنکه مؤلف از شرح اقدامات عمال انگلیس راجع بایجاد سیم تلگراف در ایران صحبت می‌کند، این مطلب قریب ۱۲ صفحه از کتاب او را اشغال می‌کند بعد در دنباله مطلب فوق این طور می‌نویسد: «این بود تاریخ روابط سیاسی انگلیس با ایران» در صورتیکه هیچ وجه متعرض تاریخ سیاسی انگلستان در ایران که تا زمان مؤلف متجاوز از نود سال بوده نمی‌شود و هیچ اشاره نمی‌کند جز اینکه خواننده را بکتاب سرهنری رالتسون مراجعه می‌دهد.

قبلاً راجع بکتاب رالتسون موسوم به «انگلیس - روس در شرق» اشاره شده است و همچنین بتاریخ زندگانی این مرد سیاسی که جرج رالتسون برادرش بعد از وفات او نوشته است اشاره شد در آنجا نیز تاریخ روابط سیاسی انگلیس و ایران بطور روشن و مرتب ذکر نشده است زیرا که هیچ یک از نویسندگان انگلیس بتاریخ این مدت که نود سال باشد بطور مستقیم داخل نشده‌اند و کتاب جامعی در این باب نوشته نشده است حتی در سه جلد تاریخ معروف کامبریج نیز که در سالهای ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ نوشته شده و موسوم به تاریخ سیاست خارجی انگلستان است (۱) اشاره صحیح و صریح به موضوع روابط سیاسی انگلیس با ایران نشده است.

لرد کرزن نیز که در تمام رشته‌های تاریخی و سیاسی و اقتصادی و جغرافیائی ایران داخل شده است و از هر یک باتفصیل بحث نموده است در این قسمت یعنی تاریخ سیاسی ایران - انگلیس اشاره صحیحی نکرده است فقط در قسمت‌های صاحب منصبان نظامی

[1] The Cambridge History of British Foreign Policy . From 1783 To 1919 . 3 Vols . London 1922 23 .

برای قشون ایران و پیش روان تجارتي انگلستان و مهندسين برق که برای احداث سيم تلگراف بايران آمده بودند با تفصيل بحث نموده و در خاتمه اينطور مي نويسد : « خلاصه اين بود تاريخ روابط انگلستان با ايران در قرن نوزدهم که بدست سياسيون - صاحب منصبان نظامي و نمايندگان تجارتي و صاحب منصبان اداره تلگراف انگليس که عبارت از مهندسين باشند و صاحب منصبان نظامي و مهندسين برق که کارهاي خودشان را انجام داده اند فعال کاري ندارند .

اما آينده مملکت ايران در دست سياسيون و نمايندگان تجارتي انگلستان است در اين صورت بايد سياسيون هم اشتباهات گذشته را کنار گذاشته از تکرار سياست بددل و بخشش روبه که سر جان ملکم و هم فکرهاي بعدي او اعمال مي نمودند ، بعقيده من بايد پس از اين احتراز شود اين رفتار آنها عوض اينکه نتيجه خوبي بدهد زبان آور بوده سياست مردان سياسي انگلستان در آينده براي اين خواهد بود که ايران را در شاهراه ترقيات مادي سوق دهند و اصلاحات داخلي را تشويق کنند .

اما نمايندگان تجارتي بدبختي باني و جان سياسي انگلستان و طريقه که بوسيله سياست براي او باز نموده اند عمل کنند کار آنها اين خواهد بود که مشاهده نموده بدانند ايران بچه چيزي محتاج مي باشد که از طريق تجارت مي توان تهيه نمود و از اين راه ايران را بطرف تمدن غرب جلب کنند و آنرا نسبت بآزاد علاقمند گردانند .

اما راجع بد مسائل اخلاقي و توليد اين نوع روحانيت در زندگي ملت ايران هر گاه اين اقدام براي اروپائيها غير ممکن نباشد اقلا مشکل خواهد بود مگر اينکه باستعمال زور و فشار متوصل شود هر گاه ملت ايران ترجيح مي دهد از اينسند در حال بي قبدي نسبت بروحيات اخلاقي و فضاي حرد باشد و در اين حال باقي بماند فعلا طريق ديگر بنظر نمي رسد که با اين تصميم ايراني مبارزه شود .

اما در اجرائي مقاصد تجارتي و ترقيات صنعتي مي توان زمينه هاي بکرتي بدست آورد و نتايج خوبي از اين اعمال برداشت و بايد تذکر بدهم امتحانات مؤثر و اميد بخش هم قبلا شده است .

هر گاه امروزه بموفقت هائي در قسمت هاي اخلاقي از خود اين ملت نمي توان

انتظار داشت که نایل شود ولیکن بواسطه ایجاد مؤسسات و مسائل ترقی مادی بادیست دیگران ممکن است به پیدایش ترقیات اخلاقی هم کمک کند و بالاخره ایران مجبور باشد نسبت بخود اظهارعلاقه کند یعنی همینکه مشاهده نمود دیگران نسبت باواظهار علاقه می کنند خود نیز بخود آمده نسبت بخود علاقه مند خواهد شد .

حال اگر ازمن سؤال شود چیست آن سیاستیکه دولت انگلیس باید نسبت بایران پیش بگیرد ؟

من جواب ذیل را خواهم داد - بریطانیای کبیر نه در حال حاضر و نه در مدت قرن گذشته هیچ وقت خیال این را نداشت که ایران یا قسمتی از ایرانرا ضمیمه امپراطوری خود بکند دولت انگلستان ذره از خاک ایرانرا طمع ندارد حکم هشتم و حکم نهم از احکام ده گانه (۱) از طرف ما کاملاً رعایت شده است .

در جنگ ۱۲۷۳-۱۸۵۲ قوای انگلیس بوشهر و جزیره خارک را در خلیج فارس و محمره و اهواز را در کنار رود کارون اشغال نمود و ممکن بود دولت انگلیس برای همیشه این محل ها را در تصرف خود داشته باشد و مسئله رود کارون را هم بمیل خود تمام کند چون موضوعی درین نبود که ما را به نگهداری آنها مجبور کند از آن نهادست برداشتیم و بدولت ایران مسترد نمودیم و خود ایرانیا در این تاریخ تا این اندازه ها انتظار نداشتند (۲) و تصور می کردند افلا باید از بوشهر صرف نظر کنند ولی وقتیکه مشاهده کردند ، ما نظر تملک نداریم اظهار تعجب کردند و از بخشش های ما در حیرت افتادند و بعدها در ذهن آنها اینطور جایگیر شد که قوای ایران ما را از آن محل ها اخراج نموده است (۳) ولی خود دلیل روشن است که مقصود ما جز مسالمت و بی طمعی چیز دیگر نبوده است اما این پیش آمد را می توان با موضوع و پیش آمد جزیره آشوراده

(۱) مقصود ده حکم ( احکام عشره ) بود که حضرت موسی برای بنی اسرائیل آورد .

(۲) مقصود از کلمه ایرانیا میرزا آقاخان نوری است .

(۳) این قضیه کاملاً روشن است سیاست میرزا آقاخان نوری آنها را بخلیج فارس کشانید

بلوای هندوستان آنها را از خلیج فارس احضار نمود نه بخشش و نه ترحم هیچ يك در سیاست مؤثر نیست مخصوصاً در سیاست انگلیس .

در شمال تطبیق نمود .

حقیقت سیاست انگلیس را نسبت بایران لرد سالزبوری در خطابه معروف خود که در حضور شهریار ایران در مهمانی رئیس بلدیة لندن در عمارت بلدیة ایراد نموده بخوبی روشن کرده است این در سال ۱۸۸۹ بود که شاه در سفر سوم خود بلندن آمده بود، (۱)

در این جا مؤلف قسمتی از نطق لرد سالزبوری را نقل نموده بعد خود علاوه کرده گوید : « بالآخره ترقیات صنعتی و منابع ثروتی ایران - توسعه تجارت - تقویت از نگاهداری تمامیت ایران و احیای قوای آن بوسیله مساعدت و کمک دوستانه که ناشی از اتحاد دولتین است منظور اصلی سیاست انگلستان در ایران می باشد - دوره برقرار نمودن عهدنامه تعرضی و دفاعی فعلا گذشته است (۲) .

در اوایل قرن نوزدهم برای دولت انگلیس ممکن بود باینکه خطرات مختصری که برخورد خواهد نمود به چنین اقدامی مبادرت کند ولی آن فرصت با همان اتفاقات که به معاهده ترکمان چای منتهی شد از بین رفت (۳) و در نتیجه روسها در شمال ایران دارای نفوذ شدند هرگاه امروز به چنین معاهده اقدام شود دولت انگلستان را به یک جنگ هولناکی سوق خواهد داد که به واسطه بعد مکان از مرکز نظامی ما در این جنگ با دولتی که کاملاً جای گرفته و سنگر بندی کرده است متضرر شده زبان خواهیم برد .

آخرین فرصتی که دست آمد و ممکن بود در این موضوع داخل مذاکره شده آن زمان جنگ کریمه بود در آن هنگام دولت ایران با کمال میل حاضر بود مقدرات خود را با مقدرات دولت انگلیس توأم نموده استرداد ایالت از دست رفته خود را مجدداً

(۱) من این مسافرت را از روی سفرنامه خود شاه شرح داده‌ام و همین این نطق نیز ترجمه شده است.

(۲) اشاره بمعاهده سرجان ملکم و سرهارفورد جونی و سرگوداولی است در دوازده سال اول قرن نوزدهم ۱۸۰۰-۱۸۱۲ .

(۳) بتصل ۱۵ جلد اول مراجعه شود .

بدست بیاورد ولی این مسئله برای ما چندان ارزشی نداشت امروزه نیز همین طور است (ص ۶۲۵).

ما هرگز نمی‌توانیم برای ایالاتیکه دولت ایران در نتیجه ضعف نظامی خود از دست داده است مسئولیتی بعهده بگیریم و هم چنین نگاهداری آنها نیز پس از استرداد مشکل است بعلاوه موضوع فوری است که به نفع یک طرف است و منافع ما در این کار بسیار اندک و قابل ملاحظه نیست ولیکن بواسطه ایجاد دوستی و اتحاد و بکار بردن اندرزه‌های عاقلانه و از راه تشویق سوق سرمایه بطرف شرق و بکار انداختن آن در کارهای ثابت و سودمند که مقصود عمده آن ترقی مملکت باشد دولت انگلستان می‌تواند نسبت به ایران مساعدت کند در نتیجه ایران هم وضع خوش خواهد گرفت که عملیات خصمانه همسایه آن مؤثر واقع نشود.

علاوه بر تمام اینها ممکن است انگلستان این مسئله را به طور حتم خاطر نشان کند که هر پیش آمدی که در شمال برای ایران روی آورد یعنی در نواحی که ماوراء دایره نفوذ فرضیه انگلستان است موضوع دیگری است، اما ایران مرکزی و ایران جنوبی از هر نوع تجاوزی مصون خواهد بود.

این است اصل قضیه و بیش از اینهم نیست.

تفوق انگلستان از حیث تجارتی در منطقه جنوبی ایران که در این باب مکرر در مکرر تذکر داده‌ام یگانه موضوعی است که باید تأمین شود برای این منظور می‌توان یک خطی در امتداد ایران رسم نمود ابتدای این خط از سیستان شروع شده از راه کرمان به اصفهان ممتد خواهد گشت و از آنجا به طرف غربی ممتد شده از بروجرد و همدان گذشته بکرمانشاه منتهی می‌شود و جنوب این خط از هر نوع تجاوز و طمع و ورزی مصون خواهد ماند و در این حدود دولت انگلستان هیچ تقاضایی نخواهد داشت و برای خود حقی قائل نخواهد شد و تحکیم خواهد کرد و نشین نخواهد نمود تهدیدی نخواهد کرد در آنجا، فشنونی ... داد و ... هم بکار نخواهد برد.

انگلستان معامله کرده است و ...



آینده ما در ایران از راه توپ و تفنگ بدست نخواهد آمد یا تهدید عملی را انجام نخواهیم داد فقط از طریق دوستانه و روی منافع عمومی برای ترقیات صنعتی و اصلاحات داخلی است .

هرگاه بازازمن سؤال شود برای چنین سیاستی آیا آثار و علائم نیک و مساعدی در طهران وجود دارد ؟

بدون درنگ من جواب خواهم داد بلی آثار و علائم مساعد است زیرا که اقتضای می رود تمایلی طبیعی ایرانیان بطرف اتحاد با انگلستان است اما باید میزان ترس آنها را هم در نظر گرفت و دید که چگونه طرف مخالف با داشتن وضعیت بهتری توانسته از این ترس ایرانیها استفاده کند .

من اعتراف می کنم که بعضی اوقات از زیادی نفوذ انگلیس در طهران در عجب بوده اما چندی قبل این ادعا ممکن نبود باید حقیقت را گفت که دولت انگلیس نفوذی نداشت زیرا که تقریباً سی سال بود انگلستان یک سیاستی مخصوص نسبت بایران پیش گرفته بود آن عبارت از این بود که از ایران دوری کند آن هم تحت عنوان عدم دخالت بزرگ متشانه (۱) بود و این سیاست را بقدری توسعه دادند که از حد خود تجاوز نموده است .

این صحبتی است که خود صدر اعظم ایران برای من حکایت کرده گفت هرگاه سیاست انگلیس چندی هم بدین منوال می رفت نفوذ انگلیس در ایران بکلی محو می شد (۲)

حال این هرک سیاستی پیش نیامد و مجدداً سیاست ما رونقی گرفت .

(۱) این سیاست Masterly Non - Inference وقتی تعقیب می شود که مایه فساد در میان یک ملتی به منتهای درجه رسیده است از آن جمله اختلاف جاهلانه بین آن ملت که منجر بجنبش داخلی می گردد تا بمحو و زوال یکدیگر می کشند ، آنها هم کاری ندارند همینکه اتحاد بین آنها پیدا شد تعقیب این سیاست فیزترک می شود .

(۲) این صدر اعظم میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم است که قریب پانزده سال با او دشمن بودند شرح آن بیاید .

اول اینکه رقیب ما اشتباهات چندی نموده است .

دوم اینکه خود ایرانیها عادلانه درسیاست انگلیس قضاوت می کنند .

سوم باید موفقیت سیاست انگلیس را بفداکاری و جدیت های خستگی ناپذیر وزیر - مختار انگلیس سر هنری در موافق نسبت داد و این زنده شدن سیاست انگلیس را در ایران از او باید دانست قیمت خدمات این شخص را باید از فریادهای روزنامه های روسیه شنید نویسنده های جراید مسکو و پترزبورگ تماماً راجع با اقدامات وزیر مختار انگلیس سرسام و سرگیجه گرفته اند خوب است هموطنان من برای دانستن قیمت خدمات هم وطن ما با آنها مراجعه کنند .

خود پادشاه ایران مساعدت و همراهی را با انگلستان در دادن امتیاز کشتی رانی

رود کارون و امتیاز بانک شاهنشاهی آشکار نموده است .

شهریار ایران استعداد و نفوذ تجارتي ما را هنگامیکه در انگلستان بود بچشم خود دیده است و عملیات صنعتی ما را مشاهده نموده و مراکز صنعتی ما را تماشا کرده و بخوبی فهمیده است من شک نمی دارم که در میان توده ملت ایران نیز انگلستان معروفیت بسزادارد . (ص ۶۲۲) .

هر قدر روابط بین انگلستان و ایران زیاده شود این دوستی و یگانگی نیز بین دولت روپازدید خواهد گذاشت این روابط خواه تجارتي باشد خواه مراوده دوستانه و همکاری در تجارت و معاملات ، امید می رود بدین وسایل بزودی منافع یکدیگر را تمییز بدهند و روزی خواهند رسید که ایران بطرف انگلستان متوجه شده و بفهمد که دوست طبیعی ایران انگلستان است و انگلستان نیز خواهد درک نمود که ایران خواهان دوستی بریتانیای کبیر است .

خوشبختانه در صورتیکه اسباب تعجب من بود ، نفوذ دولت انگلیس را در ایران خیلی زیاد دیدم برعکس نفوذ دولت روس را اینکه معروف بود در ایران بی - اندازه زیاد است این طورها نیست من مشاهده کردم وزراء ایران تمایلی نسبت به روسها ندارند و چندان نوجهی هم به وزراء مختار نشان نمی دهند و بهیچوجه سیاست روس در ایران کامیابی ندارد و هرگاه از پادشاه ایران همراهی شود و امیدواری داشته